



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۱
شنبه ۸ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۰ محرم ۱۴۰۱، بهای: ۱۵ ریال

سادات خائن، آغاز تدارک توطئه جدید امریکا علیه ایران را اعلام کرده است

آنها بگذارند. (کوئی امریکا در این جنگ مداخله ندارد و ممر تاکنون خود را در اختیار امریکا نگذاشته است!)
مصاحبه سادات در این موقع، با توطئه جدید امریکا علیه ایران ارتباط کامل دارد. میگویند اگر سگ پارس میکند، دزد چندان دور نیست. مسلم است که سادات یکی از ستونهای محکم سیاست امپریالیستی در دنیای عرب و در کشورهای اسلامی-چین مسئله مهمی را، که با سرافراز شدن خلقهای منقطع و سراسر جهان ارتباط می یابد بدون منظور معین و بخصوص بدون مشورت یا همپیمانان امریکایی و اسرائیلی خود مطرح نمی کنند. مصاحبه سادات نشان میدهد که امریکائیان و دستیاران و دست نشاندهگان آنها، پس از آنکه

حکومت صدام به جنگ با ایران به نتایج مطلوب نرسیده است و رژیم آوران ماه که درس قطعیت را در تیردهای انقلابی آموخته اند، قادر به دفاع از دستاوردهای انقلاب مردمی خود هستند، فتنانه های توطئه امپریالیستی دیگری در آسمان ایران ظاهر میگردد.
امپریالیستها از زبان سادات، ختن به انقلاب مصر، اعلام میکنند که: غرب باید در جنگ ایران و عراق حتی با استفاده از نیروی نظامی مداخله کند، تا ایران خود را پدمان شوروی نیفتند!
سادات در مصاحبه اش با تلویزیون دانمارک گفته است: اگر ایالات متحده و همپیمانانش بخواهند در این جنگ مداخله کنند، ممر حاضر است تسهیلات موجود در کشور خود را در اختیار

سلسله توطئه شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک و کوچکتر علیه مبین انقلابی ما را پایداری نیست. توطئه ای را با هوشیاری بی اثر میکنیم، توطئه دیگری بدنبال آن می آید. این را خشنی میکنیم، توطئه سومی می آفرینند. این یکی را هم درم میگویم. بر آتش توطئه دیگری دامن می زنند. آنرا با سیلاب خون جوانان بیرون خود خاموش میکنیم، شعله های آتش سوزی بزرگتری در افق ظاهر میگردد. آری، زنجیر توطئه های شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک و کوچکتر، را که میخواهند آنرا بگردن خلق از بندرسته ما بیفتانند (و این امید را بگور خواهند برد) سردراز دارد.
اینک که بر دنیای غارتگران امپریالیستی ثابت شده است که توطئه آنان دربرانگیزتن

حجت الاسلام خامنه ای:

یکعده می خواهند از شعار آزادی بعنوان حربه ای یابانه ای برای ضدیت با جمهوری اسلامی استفاده کنند

* این آزادی (لیبرالیسم)، معنایش اینست که میلیونها انسان در آندوی جهان آزاد نیستند خود را از شر امریکا رها کنند.
* من می بینم که... یک کفر انسانی مرفقی (برای دفاع از فلسطین) در سطح بین المللی تشکیل بشود.

های نماز جمعه ضمن تاکید بر اینکه: «امروز ما از همیشه بیشتر به وحدت و هماهنگی صفوف ملت خود احتیاج داریم از مردم خواست که خود را درگیر مناقشات سیاسی نکنند. وی در باره مسئله آزادی که ممکنست طرح آن از سوی بعضی از افراد بی توجه و یا خدای تکبره مفرض، ذهنهای مردم ما را دچار اشتباهی میکند که آن اشتباه به تفرقه و درگناهی مردم منتهی میشود توضیحاتی داد و به تشریح دیدگاههای اسلام انقلابی از آزادی پرداخت و گفت:

(لیبرالیسم) معنایش این است که میلیونها انسان در آندوی جهان آزاد نیستند که خود را از شر امریکا رها کنند. وی گفت: «یکعده می خواهند از شعار آزادی بعنوان حربه ای یا بیانه ای برای ضدیت با جمهوری اسلامی استفاده کنند.»
حجت الاسلام خامنه ای همچنین به کفر انسانی سران عرب در عمان اشاره کرده و آنرا رسواترین کفر انسانی خواند و پیشنهاد کرد که کفر انسانی از دول مرفقی عرب و غیر عرب مسلمان برای دفاع از فلسطین تشکیل شود.
حجت الاسلام خامنه ای در خطبه

مراسم نماز جمعه دیروز هفتاد و هفت گزشت با شکوه فراوان در دانشگاه تهران برگزار شد. حجت الاسلام سید علی خامنه ای امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع و دبیر و سخنگوی این شورا در خطبه های نماز جمعه درباره مسائل امروز انقلاب، مطالب مهمی را بیان داشت. وی از جمله ضمن اشاره به فریاد کسانی که دم از عدم آزادی می زنند، به تشریح دیدگاه اسلام انقلابی از آزادی پرداخت و نتیجه آنرا با آزادی غربی (لیبرالیسم) مقایسه کرد. وی از جمله گفت: «این آزادی

بقیه در صفحه ۴

رزمندگان انقلاب، در محور آبادان ماه شهر دشمن را به عقب راندند

پنجشنبه) ضربات خرد کننده ای در جبهه سومار بر دشمن متجاوز وارد کردند. در این عملیات تعدادی از مزدوران صدام به هلاکت رسیده و چندین خودروی آنها منهدم شده است. در این جبهه ۳۰۰۰ از دلاوران ما نیز به شهادت نائل آمدند.
گزارش رسیده از جبهه سومار که صبح پنجشنبه به خیر گزاری روز چهارشنبه، دلاوران ما با استفاده از سلاحهای سنگین و بهره گیری از عملیات چریکی، دو نقطه سوق الجیشی را از لوت وجود متجاوزان عراقی پاک کردند. در این عملیات ۱۷ سنگر دشمن نابود و مزدوران مستقر در این سنگرها به هلاکت رسیده یا متواری شدند.
به گزارش دیگر خبرنگار خیر گزاری پارس، نیروهای مدافع انقلاب طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه، در منطقه گیلان غرب،

ایران در تاریخ ۵ آذرماه ۵۹، در منطقه موسنگرد به نیروهای دشمن تاخته و ضمن انهدام ۴ عراده توپ، ۵ دستگاه تانک، ۵ قبضه خمپاره انداز، ۲۰ دستگاه خودرو، یک عراده خمسه خمسه و دو دستگاه سنگر، حدود ۵۰ نفر از نفرات دشمن را به هلاکت رسانیده و بیش از ۴۰ نفر از آنها را زخمی نمودند.
صدای جمهوری اسلامی ایران خیر داد که بر اساس آخرین گزارشهای رسیده از جبهه آبادان، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هوانیروز، از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح پنجشنبه، مواضع نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر - آبادان، درهم کوبیدند و آنان را حدود یک کیلومتر وادار به عقب نشینی کردند.
صدای جمهوری اسلامی ایران همچنین به نقل از یک مقام موق در ستاد مشترک عملیات غرب اطلاع داد که رزمندگان دلیر ما طی دیروز و امروز (چهارشنبه و

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای عملیات رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران را علیه مواضع رژیم صدام حسین چنین اعلام کرد:
«الف - نیروی هوایی جنگنده های تیز پرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در حملات دیروز ۵ آذر نظر در خاک دشمن، توانستند یک کارخانه در شمال غربی سلیمانیه، انبارهای مهمات دشمن در غرب سلیمانیه، یک آتش رادار در شمال شرقی غربال و یک اطاق کنترل برق در شمال عراق را منهدم نموده و در حمله به تانکها و کامیونهای دشمن در جنوب مندلی در شرق عراق، خساراتی بر نیروهای دشمن وارد آوردند.
ب - هوانیروز دلاوران همیشه قهرمان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۴

طبقه کارگر سخنان وزیر کار و امور اجتماعی را بیان خواستهای خود میداند

در مبین ما به همت توده های زحمتکش و رهبری بخردانه امام خمینی، انقلابی صدامیالیستی و خلقی بوجود پیوسته است. این انقلاب می باید همه ضوابط و معیارهای گذشته را، که در خدمت منافع یک رژیم ضد ملی، ضد خلقی و وابسته بود، متحول کند و ضوابط و معیارهایی نوین را در خدمت طبقات زحمتکش و محروم، کملی قرون، تازیانه ستم و استثمار کرده شان را زخم دار ساخته است، جانتشین آنساز و طبقات بالائی انگل، یعنی سرمایهداران بزرگ، فئودالها و کلان زمینداران را از تخت قدرت اقتصادی به زیر کشد و یاقینی ها، یعنی اکثریت محروم سبایر هنها و کلاه نمدها - را از اعماق دهشتناک فقر و نیستی و بیسوادی رها سازد و رایحه رفاهتی و عدالت را به مشامشان برساند.

و با تایید حق کشی هائی که نسبت به این طبقه مولد و زحمتکش، اما ستمکشیده و استثمار شده، روا داشته اند، وعده میدهد که: «وزارت کار به خانه کار و کارگر تبدیل خواهد شد، تا این وزارت مدافع اصلی حقوق کارگران باشد.»

طی هشتادسالی که از تولد طبقه کارگر ایران میگذرد، این نخستین بار است که وزیری بر راس وزارت کار و امور اجتماعی ایران، در تایید حقانیت طبقه کارگر میگوید: «ما معتقدیم که حکومت روی زمین یا مستضعفین است»

متأسفانه تاکنون که نزدیک به دو سال از انقلاب صدامیالیستی و خلقی ما میگذرد، علیرغم توصیه های مکرر امام خمینی درباره کوششهای این دگرگونی اساسی در زمینه مسائل کارگری، انجام نپذیرفته است. وزارتخانه عریض و طویل کار و امور اجتماعی، صرف نظر از برخی

بقیه در صفحه ۷

۳ سؤال

روزنامه انقلاب اسلامی (پنجشنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۹، ص ۴) در مقاله ای زیر عنوان «مروری بر سیاست خارجی کشورمان پس از انقلاب»، برخی نظرات درست در انتقاد از سیاست خارجی گذشته کشورمان بیان داشته و از جمله نوشته است: «اما طرف دیگر قضیه خود ما هستیم که درصدد برقیامیم تا امکاناتی را که میتوان از آنها به نفع انقلاب بهره برداری کرد، بکار گیریم، کوشش نمائیم تا بر دوستانی که صداقت و پایبندی دارند، یقینان...»
نویسنده مقاله، برای نمونه، برقراری که در گذشته نسبت به لیبی شده، اشاره کرده و نوشته است: «... یکماه تمام نخست وزیرش آقای عبدالسلام جلود در ایران بسر میبرد و این فرد که بعد از سرهنگ قذافی دومین شخصیت لیبی است، کسی سراغش را نمی گرفت و فقط روزها مقابل هتلش جمع میشدند و شعار میدادند که هرچه زودتر از لیبی دور شویم...»
بقیه در صفحه ۷

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:

مابا آمریکا تضاد اصلی و غیر قابل حل داریم

* جنگ و گروگانگیری ربطی به هم ندارد و کسانی که میخواهند این دو مسئله را بهم ربط دهند، درست در خط امریکا هستند.
* بدون شک شیطان بزرگ طراح این اختلاق (تخصص و تقوی) است.

«وقتی که انسان یک مساله را در نهایت توضیح و روشنی می بیند که در سر آن چنگال فراوانی است، کم کم به این نتیجه میرسد که چیزی غیر از تضاد اصلی و غیر قابل حل نداریم»
بقیه در صفحه ۷

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها، در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات (۶ آذر ۵۹) به پرسش های مطرح شده از جانب این روزنامه پاسخ داد. وی در پاسخ به پرسش بحث «تقوا و تخصص» گفت:

حجت الاسلام خامنه‌ای ...

بقیه از صفحه ۱

اسلام آزادی را چه چیزی می‌داند و چگونه می‌بیند؟ اسلام می‌آید تا انسان را از شر چند قدرت اسارتگر رها کند. اولاً از شر قدرت دشمنان بیگانه و سلطه‌گران و جباران جهانی. نمیگذارد که قدرتهای بزرگ عالم بر ملت اسلام مسلط بمانند. ثانیاً آزادی از سلطه مستبدان و جباران داخلی و این همان چیزی است که شما مردم در دوران رژیم گذشته با آن جنگیدید. اسلام است که می‌گوید دستگاه سلطنت چه با نام سلطنت و چه با هر نام دیگری باید از اجتماعات انسانی ریشه کن شود. استبداد باید بمیرد، تحقیر انسان باید وجود نداشته باشد. ثالثاً آزادی از شر نظامها و سنتها و رویه‌های جاهلی و طاغوتی. اسلام به ما می‌گوید که اسیر تشریفات دست و پا گیر نباشیم. اسلام به ما می‌گوید که اسیر تجملات نباشیم. اسلام به ما می‌گوید که اسیر مواضع طبقاتی نادرست و ضدانسانی نباشیم. این خود را بالاتر و برتر از دیگری ندانید. آنرا مستوجب تحقیر بدانند. اسلام به ما می‌گوید میان سیاه و سفید، میان این تتراد و آن تتراد فرقی نیست و هیچ تترادی حق ندارد بدلیل رنگ، بدلیل خون، بدلیل بقیه شرایط اقلیمی، دیگران را برده و بنده خود قرار دهد. پس اسلام طرفدار آزادی به‌معنای شکستن سنتهای غلط جاهلی است. رابعاً آزادی از شر نفس اماره. اسلام است که به ما می‌گوید ای انسان آزاد باش و اسیر نفس خودخواه و افراطی - طلب خود مشو.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای گفت: دو شما نگاه کنید به جامعه خود و ببینید از روزی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد و جمهوری اسلامی سر کار آمد این آزادیهای والا در جامعه ما پایه گذاری شد. نگویند که ما از این انقلاب چیزی نفهمیدیم. وی ضمن برشمردن دستاوردهای انقلاب به استقلال ایران اشاره کرد و گفت:

«آزادی اینست که شما از سلطه جبارانه نظام مستبد شاهنشاهی آزاد شدید و چنین سلطه‌های دیگر در ایران یا نمی‌گیرد، هرگز نمیگیرد. آزادی اینست که شما توانستید بسر فرهنگها و سنتهای طاغوتی تا حدود زیادی غلبه کنید، نمی‌گویم سنت‌های طاغوتی و اخلاق طاغوتی در جامعه ما بکلی ریشه کن شده، اینکار زمان میخواهد اما این کار شروع شد.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: «انقلاب اسلامی به ما آزادی بیان داد. امروز در این مملکت همه آزادانه حرف خود را می‌زنند و اسلام اینها را مقبول نداند. این آزادی اسلامی. اما آزادی به معنای غربی. می‌دانید که غربیها هم می‌گویند آزادی. اما آزادی در مفهوم غربی به معنای دیگریست. این همان چیزیست که در عرف معروف و در زبانهای جوانهای ما و مردم ما رایج شده است که می‌گویند لیبرالیسم. آزادی در مفهوم غربی یعنی مخالفت با هر چیزی که جلوی هوس و کام انسان را بگیرد. یعنی راهی از هر قید و بندی.

البته قید و بند قانونی را که پذیرفته قبول می‌کنند اما همان قانون هم با توجه و با ملاحظه اینکه اخلاق قید نیست، مذهب قید نیست، یا این ملاحظات همان قانون هم تدوین می‌شود. امریکاییها معتقد به آزادی به نوع غربی هستند. البته در امریکا همه آزادی که فساد کنند، همه آزادند که زندگی خود را طبق هوس و شهوت خود بگذرانند. اما این آزادی معنایش اینست که میلیونها انسان در آنسوی جهان آزاد نیستند که خود را از شر آمریکا رها کنند.»

وی سپس ضمن تاکید بر اینکه تمام افکار و عقاید در نظام اسلامی می‌توانند وجود داشته باشند، گفت: «اما حق ندارند اندیشه اسلامی را در متن جامعه تخریب کنند، یا برای واژگون کردن نظام جمهوری اسلامی و نظام حکومت اسلامی تلاش کنند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس گفت:

«آزادی بیان هم در جامعه وجود دارد. همه کسانی که به اصل جمهوری اسلامی و نظام اسلام معتقد و نسبت به آن تبعیت دارند حق دارند انتقادهای خود را هم آزادانه بیان کنند. انتقاد را بکنند، کسی مانع انتقاد نیست. اما اینکه بخواهند جو سازی بکنند، بخواهند مردم را نسبت به سنتهای اصلی اسلامی در این جامعه بدبین کنند، ایضا. آن سیاستمدار و رشکستهای که یک سال، یکسال و نیم است با انقلاب اسلامی با جمهوری اسلامی قهر است، معلوم هم نیست که آیا به قانون اساسی رای مثبت داده است یا نه، حالا بیا به در روزنامه بر دارد در فضایی کند و مطلب بنویسد و اعتراض کند که دستگاه فلان و دستگاه فلان، اینجا و آنجا قانون اساسی را نقض کرده‌اند. شما به این قانون اساسی عقیده نداری. شما به این ملت عقیده نداری. شما به اصل اسلام عقیده نداری. این انقلاب را قبول نداری. شما چگونه می‌توانید با تمسک به آزادی بردارید اذهان مردم را متوجع کنید، واقفیتها را در نظر مردم دگرگون جلوه بدهید، بگفته می‌خواهند از شعار آزادی بعنوان حرفه‌ای یا بهانه‌ای برای ضدیت با جمهوری اسلامی استفاده کنند. غالباً دیده می‌شود اینجا و آنجا فریاد می‌زنند که آزادی نیست، دلیل اینکه آزادی هست، اینست که همین فریاد هم به همه مردم می‌رسد. همه مردم می‌شنوند که آزادی نیست. اگر آزادی نیست چگونه می‌توانی یکی از افراد معمولی این ملت، فریاد را به همه برسانی. تخیر در این مملکت آزادی هست...»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای اضافه کرد: «هر کسی در این مملکت که ارعا کند آزادی نیست و نقض آزادی میشود و نقض اصول قانون اساسی میشود، از این بعنوان حرفه‌ای علیه این جمهوری اسلامی می‌خواهد استفاده کند. این آقایان میدان آزادی را آنچه‌ای که خودشان دلشان می‌خواهد انتخاب می‌کنند. هر وقتی که مایل هستند هر سخنی بگویند، هر حرف ممنوع و مخالف را، مخالف انقلاب، مخالف آسایش مردم، مخالف وحدت و یکپارچگی مردم، هر چه بخواهند بگویند می...

کنند، منتشر می‌کنند، شایع میکنند، اما تا کسی چیزی بگوید که مخالف نظر آنها باشد، فوراً داد و فریادشان بلند می‌شود که چرا گفتید، شما چرا گفتید. بنده یک کلمه در خطبه نماز جمعه اظهار کردم، در مقابله شایعاتی که داشتند پخش می‌کردند و می‌گفتند روحانیت در کار ارتشی دخالت می‌کند و نمی‌گذارد ارتش کار خود را بکند، یک چنین شایعاتی را پخش می‌کردند، من در میدان، من از نزدیک دارم می‌بینم. آدم به مردم، به مردم مسلمانان که هزارها سؤال می‌کنند، گفتم مردم این خلاف واقع است. روحانیونی که در صحنه بودند یک اظهار نظر ساده کردند. روحانیون خرمشهر، نظر ساده‌ای مثل بقیه افراد مردم برای کیفیت دفاع از خرمشهر را دادند. و اگر آن نظر عمل می‌شد، خرمشهر آن بخشش دست دشمن نمی‌افتاد. من این را گفتم. آقا برداشته در روزنامه سر مقاله کرده که خامنه‌ای را بایستی، البته اسم نیآورده اشاره کرده، گفته‌اند رایبدمحا که کنیم. در سرمقاله روزنامه عصر تهران اظهار کردند که بنده را باید محاکمه کنند، چرا چون بنده در فلان خطبه یا در فلان مصاحبه گفتم اگر طبق نظر روحانیون دلسوز خرمشهر عمل می‌شد، آن بخش از خرمشهر سقوط نمی‌کرد. بسم‌الله محاکمه کنید. بسم‌الله آقایان یرو و واقع محاکمه کنید مرا. منم شما را دعوت میکنم به محاکمه محاکمه کنید تا فهمند مردم که چه جریاناتی در پشت پرده‌های پلید سالوس و تزویر شما دارد می‌گذرد. محاکمه کنید تا ما هم اجازه پیدا کنیم حرفهایمان را بزنیم. ما هم اینقدر حرفها را در دلمان نگه نداریم. ای خدای بزرگ تو شاهدی. والله اقتدر حرف گفتنی برای گفتن هست که اگر گفته بشود ذهنیات بسیاری از این مردم صحیح خواهد شد. فقط به خاطر خدا و به خاطر گل روی امام و فرمان امام نمی‌گویم. ذهن را می‌بندیم. باز هم صبر می‌کنیم... آزادی یک محدودیتی معینی دارد. اسلام همین کرده آن محدودیت را. هیچکس حق ندارد از آزادی خود به نحوی استفاده بکند که به مردم، به جامعه، به دین، به انقلاب اسلامی، به جمهوری اسلامی ضرر و زانی عاید بشود. این آزادیت. در این محدوده همه آزادند. وی افزود: «من گفتم در مناقشات سیاسی وارد تشوید در هفته‌ای که گذشت یا هفته قبل برداشتن در روزنامه‌ها نوشتند که بعضیها می‌گویند مردم در سیاست وارد نشوند. من گفتم در دعوی سیاسی وارد نشوید. برای بعضی قسمت زدن، افترا زدن، حرف را وارونه زدن هیچ زحمتی ندارد. راحت.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه ضمن اشاره به کنفرانس سران عرب که در اردن تشکیل شده است گفت: «کنفرانس سران عرب که در شهر عمان تشکیل شد، رسوا ترین کنفرانس بود که در وضع کنونی عالم ممکن بود تشکیل شود. میزبان کنفرانس قاتل هزاران فلسطینی است. ۲۰ هزار مقتول و مجروح در سال ۱۳۴۹ از فلسطینیها در همین شهر عمان ثبت شده است. میهمانان این

میزبان هم کسانی هستند که یک روز قدمی برای فلسطین برداشتنند. دول مرتجع و کافر و منافق منطقه. مترقی ترین دول عربی، سازمان آزادیبخش فلسطین، دولت سوریه که در خط اول جبهه یا اشغالگران فلسطین است. در این کنفرانس شرکت نکردند. این کنفرانس با این ترکیب، با این میهمانها، با این میزبان در آن شهر اسنش کنفرانس برای دفاع از فلسطین است! از این رسواتر چیزی نمی‌شود! من پیشنهاد می‌کنم به ملت‌های مسلمان و به سران دولت‌های اسلامی که کنفرانس برای دفاع از فلسطین از همه دولتهای مترقی مسلمان تشکیل بدهند. مخصوص برادران عرب هم ندانند، بقیه دولتها و ملت‌های مسلمان را هم شریک کنند، اما دول مرتجع را در این کنفرانس راه ندهند، یک کنفرانس اسلامی مترقی در سطح بین‌المللی تشکیل بشود.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به خیانت‌های انور سادات اشاره کرد و گفت: «انور سادات خائن در مزدور آمریکا پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا درصدد آنست که باز هم حمایت‌های آمریکا را به سوی خود جلب کند. و در این راه حاضر است التماس کند. و وعده کمک بدهد و وعده نوکری بدهد تا آنها را پشتیبان خود کند، اما

سادات خانن...

بقیه از صفحه ۱

توانستند از راه برانگیختن حکومت مدام به جنگ با ایران، بیدف خود دست یابند و نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کنند، تدارک توطئه جدیدی را می‌بینند. قرینه دیگری که این فکر را تقویت میکند، مهاجرت هزمن سلطان قابوس یا نیویورک اینترناشنال است، که او نیز بهمان دلیل افزایش خطر شوروی، آمریکا و متحدان غربی را بنده‌خا و وسعت در امور منطقه دعوت کرده است.

البته سادات و قابوس منافع خصوصی خودشان را نیز در این دعوت فراموش نکرده‌اند. شکست مدام خود بخود به‌منای عمیق تر شدن انقلاب در سراسر منطقه خاورمیانه و نزدیک است و این دورنمای سادات و قابوس و دیگر ملوک و شیخی راه، که از ترس ملت‌های خود بدامان امپریالیسم خریدمانند، بلرزه افکننده است. نزدیک نیست که اگر موج انقلابی تازه‌ای در خاورمیانه و نزدیک برخیزد، دیگر جانی برای شاهان و شاهکها و مزدوران سرسپرده به امپریالیسم آمریکا باقی نخواهد ماند.

دعوت سادات و قابوس از امپریالیسم بنده‌خا در امور منطقه به بهانه «تهدید شوروی»، «مراقبت از تنگه هرمز»، «حفظ تمدن عربی» به زوزه

رزمندگان...

بقیه از صفحه ۱

با بهره‌گیری از حمایت آتش توپخانه خودی و طی یکسری عملیات چریکی، موفق شدند دو سکوی پر تاب موشک و موضع خمپاره‌انداز دشمن را نابود سازند. در این عملیات ۳۰ تن از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند. بر اساس این گزارش، در جبهه سرپل ذهاب نیز یک گسروه از پاسداران انقلاب اسلامی در برخورد با یک گروه ۱۷ نفری از نیروهای دشمن، آنها را تارومار ساختند. گزارش رسیده دیگری نیز حاکیست که در سه روز آخر هفته گذشته، در اطراف یکی از مناطق سوق‌الجیشی مرزی استان ایلام، در ستیز مدافعان انقلاب اسلامی با مزدوران صدامی، یکمصد و بیست تن از آنان کشته،

زخمی و یا فراری شدند.

به گزارش خبرنگار خبر-گزاری پارس، رزمندگان پاسدار موفق شدند در روستای سه گاره در منطقه دارخوین، یکی از مراکز ستون پنجم دشمن را کشف کنند. همچنین سدهای جمهوری اسلامی ایران گزارش داد، هلی کوبترهای تیزپرواز هوا نیروز از ساعت ۸:۳۰ روز گذشته (جمعه) بمدت ۳۰ دقیقه مواضع دشمن را در جنوب غربی دیجردان و ایستگاه آب‌تیور درم کوبیدند که در اثر آن یک دستگاه تانک، ۴ عراد توپ و ۳ سنگر مزدوران یکلی منهدم و حدود ۳۰ نفر از آنان کشته و زخمی شدند.

طبق گزارش خبرنگار پارس از آبادان که ساعت ۱۱:۲۵ صبح دیروز (جمعه) مخابره شد، رزمندگان انقلاب مواضع دشمن متجاوز در بخش غربی رودخانه

گرگهای تیر خورده‌ای شبیه است که صیاد سخت-کمان انقلاب را در برابر چشم خود می‌بینند و برای نجات جان تیره خود باین سوراخ و آن سوراخ پناه می‌گیرند. برای سادات و قابوس و نظایرشان دهها ناو جنگی، صدها هواپیما و هزاران سرباز امریکایی و انگلیسی و غیره، که در بیخ گوششان جای گرفته‌اند نه تنها تهدیدی بشمار نمی‌روند بلکه بهترین امید قلب دردمند آنان است. آنچه آذین را می‌ترساند، نبودن حامیان امپریالیستی است نه بودندشان، عمیق تر شدن انقلاب است نه خطر شوروی، که خودشان نیز به بی‌بایگی آن اعتراف دارند.

اگر فعالیت‌های ضدانقلاب و تحریکات رژیم ضیالین را در بلوچستان و سیستان را هم که روز بروز وسع تر و جدی تر میشود - در نظر داشته باشیم، آنوقت کاملاً روشن است که توطئه وسیع جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در حال شکل گرفتن است که یک سرش در قهرمو سردیگرش در اسلام آباد است و طراح اصلی آنهم امپریالیسم آمریکاست.

از همین جا است که ما یار دیگر زنگ خطر را بصدای مردم آوریم. باید این توطئه جدید را نیز با هشیاری، با قطعیت، با اتحاد همه نیروهای انقلابی و تجویز همه نیروهای خلق با شکست مواجه ساخت.

بمبشیر و مجوز چاده آبادان- مامشیر را همچنان زیر آتش شدید خود داشتند. بر اساس این گزارش از یامداد دیروز جنگ در جبهه آبادان بشدت جریان داشت. صبح دیروز گروهی از مدافعان انقلاب با بهره‌گیری از آتش توپخانه خودی به مواضع دشمن متجاوز در محور چاده آبادان - مامشیر هجوم برده و با استفاده از سلاحهای سبک و نیمه سنگین، سنگرهای مزدوران صدام را زیر آتش گرفته و تلفاتی به آنان وارد ساختند. طبق همین گزارش در طول پنج شنبه شب و صبح جمعه، برتری نیروهای انقلاب کاملاً حفظ شده بود.

گزارش خبرگزاری پارس از بخش شرقی خونین شهر حاکیست که دلاوران انقلاب همچنان عملیات چریکی خود را علیه مزدوران متجاوز ادامه می‌دهند.

کمک مالی
به حزب توده
ایران یک وظیفه
انقلابی است

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

در جنگ
عادلان بر ضد
رژیم صدام
حسین و برای
دفاع از میهن
انقلابی شرکت
کنیم

ما می‌دانیم که دولتهای بزرگ و قدرتهای بزرگ به خود می‌اندیشند نه به ملت‌ها. نه به مستضعفین، نه به اسلام و نه به کشورهای اسلامی تا وقتی که بتوانند از مصر استفاده کنند به عنوان یک پایگاه قدرت، استفاده خواهند کرد، آنوقت که نتوانند استفاده کنند یا نخواهند، مثل درآمدهای آن را برت خواهند کرد. وی ضمن اشاره به مصر زمان ناصر گفت: «مصر در زمان جمال عبدالناصر در مقابل غرب ایستاد و بلافاصله در زمان انورالسادات خائن برده غصب شد...» حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به مسئله کشاورزی اشاره کرد و آن را عرصه‌ای در مبارزه مقابل امریکای چنایتکار دانست. وی گفت: «مردم کشاورزی و کشت پاییزه وقتش می‌گذرد. کشاورزان عزیز، ای کسانی که زمین دارید، اما جز زمینداران بزرگ نیستید، ای کسانی که به‌رحال دستتان بنحوی به زمین در ارتباط است، هر چه می‌توانید اختلافات کوچک را حل کنید، مسائل جزئی را کنار بگذارید، مسائل کشت کنید. بگذارید ما یا دست پر با دهان پر به دنیا، به آمریکا بگوئیم ما به تو احتیاجی نداریم. کشاورزی و کشت را اسال خیلی اهمیت بدهید.»

جلسه مرسوم پرسش و پاسخ در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۵۹
 با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
 حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای
 طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
 بخشهایی از این پرسش و پاسخ در شمارههای قبلی
 درج شده و اینک آخرین بخش آن در اینجا بیاپ میسرند.

نورالدین کیانوری

پرسش و پاسخ

بررسی مسائل مبارز روز

س: با توجه به این که امام خمینی روی وحدت همه نیروها در شرایط دشوار و بحرانی کنونی تأکید می‌کند، آیا بی‌توجهی برخی از مسئولین به باین رهنمود زیان‌های زیاد برای انقلاب ندارد؟
 ج: همان‌طور که می‌دانید، یکی از پنج عنصری که ما از ابتدا در خط امام خمینی به عنوان عنصر فوق‌العاده مهم تشخیص دادیم و پشتیبانی همه‌جانبه خودمان را نسبت به آن اعلام کردیم، همین تکیه امام روی لزوم وحدت همه نیروها برای مبارزه با دشمن غدار یعنی آمریکا امپریالیست، بزرگ‌ترین دشمن بشریت است. یکی از ویژگی‌های خط امام این بود که از همان آغاز کار روی مسئله تأمین وحدت به عنوان عمده‌ترین شرط موفقیت جنبش انقلابی تکیه هیئتگی داشته است. و ما هم این وحدت را برای تحقق همه هدف‌های انقلاب، حیاتی می‌دانیم و معتقد هستیم که بدون وحدت عمل واقعی و آگاهانه همه نیروهای هوادار انقلاب، بدون یک اتحاد بارور با تمام نیروهای ضد امپریالیسم در سراسر جهان، انقلاب ما در قبال خطراتی که از طرف دشمنان خطرناکش وجود دارد، نمی‌تواند ایستادگی کند و خطرات زیادی هم آنرا تهدید می‌کند. ما این نکته را همیشه تأکید کرده و گفته و نوشتیم که اتحاد در دو جبهه باید باشد: یکی اتحاد در درون ایران بین تمام نیروهای هوادار انقلاب، یعنی نیروهای هوادار خط امام خمینی که تبلوری است از مجموعه سمتگیری‌های اصل انقلاب، و دیگری اتحاد در جبهه جهانی با تمام نیروهای ضد امپریالیستی. ما خوشوقت هستیم که در جبهه جهانی در ماه‌های اخیر تحول جدی در سیاست مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران پیدا شده است. نزدیکی با کشورهای اسلامی انقلابی و ضد امپریالیستی الجزایر، سوریه و لیبی، نشانه‌ای از این تحول جدی و کاملاً بسیار مهم و موثری است در راه اتحاد انقلاب ایران با جبهه ضد امپریالیستی جهانی. ما این کاملاً با خوشحالی استقبال می‌کنیم.

در داخل ایران دو جریان مختلف الان در حال رشد است. یکی جریان تشدید مبارزه میان نیروهایی که دارای هدف‌های مختلف هستند. ما در گذار هفته قبل و هم چنین در مقالات و تحلیل‌های حزب در نامه "مردم" و مجله "دنیا" پایه‌های مبارزه داخلی در ایران را تصریح کرده‌ایم. یعنی این نیروهای مختلف وابسته به طبقات و اقشار مختلف است و چون منافع این طبقات در یک چارچوب نمی‌گنجد، اصطکاک‌هایی پیش می‌آید که گاه تشدید می‌شود. البته نبردهای دوران اخیر را نمی‌شود گفت که همه‌اش نبرد بین منافع طبقات استوارگر و غارتگر بورژوازی لیبرال و بورژوازی وابسته از یک طرف و نیروهای خلقی یعنی کارگران، دهقانان زحمتکش، تولیدکنندگان کوچک و غیره از طرف دیگر است. نه، وضع یکمی از این برخوردار است - شلوغ تر است. یعنی گرچه در طرف اصلی دعوا رابطه عمده استوارکنندگان کلان، استوارکنندگان و بیانگران و هواداران آنها در جنبش تشکیل می‌دهند، ولی با تشدید و تعمیق مبارزه عوامل دیگری هم تأثیر می‌کنند که در نتیجه آن ما گاهی اوقات نیروهایی را در جهت لیبرال‌ها می‌بینیم که با سوابقی که از تاریخچه مبارزه آنها داریم، جایشان نمی‌بایست آنجا باشد. یعنی ما نمی‌توانیم به‌طور قطعی حکم کنیم که مثلاً هواداران سجاهدین خلق هم طرفدار بورژوازی لیبرال هستند، زیرا ممکن است که این‌ها در یک برهه از زمان به علت نداشتن شناخت درست، در جهت نادرست قرار گیرند. باین جهت ما باید در تشخیص خود دقیق باشیم و همه را به یک چوب نزنیم. در مقامات مسئول بالای هم مسلماً ما نمی‌توانیم همه را به یک چوب بزنیم. یعنی مثلاً بعضی‌ها می‌گویند که آقای رئیس جمهور دکتر بنی‌صدر دیگر مشخصاً در جبهه لیبرال‌ها قرار گرفته است. این حکم می‌نظر ما با دلائلی که هنوز داریم، نادرست است. هنوز برای این مسئله دلائل کافی وجود ندارد. چرا؟ چون لیبرال‌ها مسلماً هدمشان فقط این نیست که روزنامه‌ها "آزاد" باشند. ادعاهایی که الان دارند، وسیله‌ای است برای پیشبرد مقاصدشان. هدف آنها عبارت است از تکه‌داری نظام سرمایه‌داری و جلوگیری از تغییرات بنیادی در جامعه به ضرر سرمایه‌داری، به ضرر بزرگ مالکی، به ضرر مناسبات یک جانبه با دنیای سرمایه‌داری غرب. هدف آنها این است. اما وسیله‌ای که برای نیل به این هدف به‌کار می‌برند، فریادهای "وای آزادی، وای آزادی" و تصنیف آثار نهادهای جمهوری اسلامی است که در جهت مخالف هدف‌های آنها عمل می‌کنند. این راهی است که آنها انتخاب کرده‌اند. حال هرکس که از نظر به‌کاربردن چنین وسیله‌ای با لیبرال‌ها همراه است، به‌این معنی نیست که در تمام هدف‌ها با لیبرال‌ها همراه است. درست است که او در این عمل، دچار اشتباه است و دارد به لیبرال‌ها کمک می‌کند. ولی برای حزبی که عمیقاً به مسائل برخورد می‌کند و هر ارزیابی خودخواه را با احساس کامل مسئولیت پایه‌ریزی می‌کند، دور از واقع‌بینی است که همه این‌ها را در یک سطل بریزد. ما این‌طور فکر نمی‌کنیم. ما معتقد هستیم که تا وقتی رئیس جمهور در زمینه چگونگی پایه‌های اقتصاد آینده جمهوری اسلامی در موضعی که ما تا بحال از او می‌شناسیم، بودکتابهای خود، "اقتصاد توحیدی"، "جمهوری اسلامی" و غیره، تشریح کرده است، قرار دارد، با توجه به مجموع نظریاتی که اکنون درباره تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی کشور در بیان داشته است، در موضع لیبرال‌ها نیست. لیبرالیسم غیر از آن است. لیبرالیسم دارای موضعی است که همه دیگر به‌اندازه کافی آن را می‌شناسند و دولت "گام به گام" داشت. و ما می‌دانیم که دکتر بنی‌صدر در آن دوران هم در زمینه خارجی، هم در زمینه داخلی و هم در زمینه مسائل اقتصادی از ریشه و بنیاد مخالف سیاست دولت "گام به گام" بود. تا وقتی که او از آن مواضع رسماً و علناً دور نشده است، ما حق نداریم او را جزو لیبرال‌ها بدانیم. ضمناً این قضاوت ما مربوط به دکتر بنی‌صدر تنها نیست، بخشی از جامعه ما می‌توانند گاه در همین مواضع باشند یعنی برای تأمین نظریات و موضع‌گیری‌های سیاسی خودشان، برخی وسیله را انتخاب کنند که لیبرال‌ها هم به‌کار می‌برند.

باین ترتیب دو جریان را که در مامیت خود می‌توانند با هم تفاوت داشته باشند، نباید کنار هم گذاشت. البته اگر کسی بپرسد که: آیا شما تضمین می‌کنید کسانی که امروز خود را جزو هواداران بنی‌صدر معرفی می‌کنند، در زمینه مسائل بنیادی جامعه ایران هم، همیشه در همان موضعی بمانند که در گذشته از طرف آقای بنی‌صدر عنوان شده است، ما در جواب او خواهیم گفت: نه، ما درباره افراد و اشخاص هیچ تضمینی نداریم. تضمین ما در مورد طبقات اجتماعی است یعنی ما می‌دانیم که طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش همیشه انقلابی خواهند بود، ولی رهبران جنبشی در یک دورانی ممکن است موضع خود را عوض کنند. نمونه‌های آن در تاریخ خیلی زیاد است. بزرگ‌ترین نمونه‌ها انقلاب چین و تغییراتی است که در سیاست و موضع‌گیری رهبری انقلاب چین در دوران بعد از سال‌های ۶۰ پدید آمد. این دیگر در تاریخ باید یک نمونه آموزنده باشد. اما این که رهبران یک جنبش موضوع خودشان را در طول زمان تغییر دهند، همیشه وجود دارد و بنابراین قضاوت ما هم درباره اشخاصی قابل تغییر است و حال آن که در مورد مواضع طبقات چنین

نیست. یعنی ما می‌دانیم که طبقه سرمایه‌داری هیچوقت مواضعش تغییر نمی‌کند، همیشه طرفدار غارت است و زحمتکشان هم طرفدار تغییرات بنیادی به سود خود و به زیان استوارگران هستند.

حالا این سؤال پیش می‌آید که دو جریان مابین تفاوت در مبارزه علیه بعضی پدیده‌های نادرست، یعنی علیه تجاوز به آزادی‌های فردی و اجتماعی، باهم هماهنگ شده‌اند. به خود حزب ما هم این تجاوزات انجام گرفته است و ما جزو اولین قربانی‌های این تجاوز بوده‌ایم و هنوز هم هستیم. با این وصف آیا می‌توانیم بگوییم که همه چیز الان در جمهوری اسلامی درست است و باید همین‌طور باشد؟ یعنی بزرگ‌ترین حزب توده ایران، دفاترش را ببندند، فروشنده‌های روزنامه‌اش را بگریزند و این طرف و آن طرف بروند؟ آیا همه‌این‌ها درست و "قانونمندانه" است؟ نه، ما هرگز هم چنین عقیده‌ای نداریم. ما معتقدیم که این‌ها بسیاری‌های کثوری و کودکی نظام جمهوری اسلامی است که باید با آنها مبارزه کرد و جدی هم باید مبارزه کرد. ما در مورد این پدیده‌های منفی جامعه کثوری ایران، و ضرورت مبارزه با آنها بحث نداریم، ولی در مورد شیوه‌های مبارزه، در مورد انتخاب لحظه مبارزه و وزنی که برای این مبارزه قائل می‌شوید، بحث و اختلاف جدی داریم.

همان‌طور که همیشه گفته‌ایم، جبهه عمده مبارزه ما عبارت است از جبهه مبارزه علیه امپریالیسم و نیزه علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در ایران. این جبهه، جهت عمده مبارزه است. باین ترتیب ما با تغییر شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی با شعار آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی جدا مخالفیم و معتقدیم که این یک تغییر منفی بنیادی است. ما معتقدیم که آزادی واقعی محرومان تنها در چارچوب تأمین استقلال واقعی، استقلال همه‌جانبه در برابر امپریالیسم امکان‌پذیر است. کشوری که در برابر سلطه امپریالیسم استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ندارد، ممکن نیست آزادی واقعی برای محرومان جامعه داشته باشد در آنجا آزادی فقط برای سرمایه‌داران است که خودشان را دمکرات جا بزنند و بگویند آزادی خواه هستیم، مثل یونان، مثل اسپانیا و حتی فرضاً بگذارند که چه‌ها هم حق اظهار نظر داشته باشند. یک چنین "آزادی"، آزادی واقعی نیست، بازی با آزادی است، آزادی غارت، آزادی استعمار، آزادی بی‌بندوباری است - همان آزادی که در انگلیس و فرانسه و کشورهای امپریالیستی نظیر آنها هست. آزادی کشوری مثل کشور ما، با تمام خصوصیاتش، فقط در چارچوب تأمین استقلال واقعی همه‌جانبه در برابر امپریالیسم امکان‌پذیر است.

لیبرال‌ها آزادی خودشان یعنی آزادی تثبیت نظام سرمایه‌داری بی‌دردر را می‌خواهند تا صاحب کارخانه بتواند جنبش کارگری را سرکوب کند. آنها این "آزادی" را می‌خواهند. پس بین آن "آزادی" که لیبرال‌ها می‌خواهند و آن آزادی که توده زحمتکش و طبقات اجتماعی محروم می‌خواهند، تفاوت بنیادی وجود دارد. در شرایط حاد مبارزه علیه امپریالیسم، هواداری از "آزادی" مورد تقاضای لیبرال‌ها مسلماً به جنبشی ما صدمه می‌زند. البته این هواداری ممکن است ناشی از ارزیابی نادرست باشد، ناشی از انگیزه‌های ذهنی و برداشته‌های نادرست باشد.

مابرای تأمین آن آزادی‌هایی که در قانون اساسی ذکر شده است جدی و بی‌گرم مبارزه می‌کنیم. ما با هر نیرویی که در این جهت مبارزه کند، همگام هستیم و با هر گونه زیاده‌روی در محدود کردن این آزادی‌ها، باین عنوان که الان نمی‌شود قانون اساسی را اجرا کرد، مخالفیم. آزادی‌های مطرح در قانون اساسی را کاملاً می‌شود اجرا کرد، یعنی می‌شود جلوی توطئه‌ها گرفت، می‌شود آزادی تهران، مأمور، آژندگان، "بامداد" و نظایر آنها را محدود کرد، ولی آزادی را برای همه نیروهای اصیل طرفدار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران تأمین کرد و جلوی اوپاتان و ساواکی‌هایی را که زیر شعارهای دروغین دفاع از اسلام به آزادی‌های نیروهای اصیل انقلابی تعرض می‌کنند، گرفت. همه‌این‌ها امکان دارد. در شرایط کنونی با جدا شدن از لیبرال‌ها، با همگام کردن فعالیت لیبرال‌ها که برای رسیدن مجدد به قدرت تفرقه می‌کنند، مبارزه در راه تأمین آزادی‌های واقعی مطرح است. در قانون اساسی را خیلی آسان‌تر و برتر می‌توان انجام داد. و برعکس هم گام شدن با لیبرال‌ها در مبارزه برای آزادی، بفرنجی‌هایی ایجاد می‌کند که مالا به محدود کردن آزادی‌ها خواهد انجامید. و این آن جنبه مضر و خطرناکی است که در سؤال درست به آن توجه شده است. ما معتقدیم که نیروهای راستین هوادار انقلاب واقعی ضد امپریالیستی و مردمی ایران باید در مورد خرداختلاف‌های میان خود، حسابشان را به‌طور خیلی روشن با لیبرال‌ها که طرفدار سازش با امپریالیسم هستند، جدا کنند تا مبارزه مشترک آنها برای نگاه‌داری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب در زمینه تأمین آزادی‌ها کاملاً شریختن باشد. اگر غیر از این باشد و

جنبش نیروهایی با لیبرال‌های شناخته‌شده، همگام از کار درآیند، این ایجاد بفرنجی می‌کند و مردم نسبت به اصالت این مبارزه برای "آزادی" تردید پیدا می‌کنند و ممکن است در نتیجه عکس‌العمل‌های نادرست به امر انقلاب زیان برسند.

ما در مورد مبارزه خلق کرد برای رسیدن به حقوق حقه‌اش، همیشه همین شکل مبارزه را توصیه کرده‌ایم. ما گفته‌ایم که مردم کردستان دارای خواست‌های با حقیقت هستند، ولی برای این که بهتر بتوانند به خواست‌های خودشان برسند، قبل از همه در موضع‌گیری‌ها و در مبارزات خود از نیروهای ارتجاعی که در کردستان عمل می‌کنند، به‌کلی دور باشند و خود را به‌کلی از آنها جدا بگیرند و نشان دهند که هوادار انقلاب هستند، هوادار انقلابی هستند که حقوق حقه همه و از جمله خلق کرد را باید تأمین کند. در چنین صورتی دیگر خیلی مشکل خواهد بود که کسانی بخوانند خواست‌های خلق کرد را زیر پا بگذارند. ولی وقتی سازمان‌هایی که مدعی "دفاع از حقوق خلق کرد" هستند، با بیعت عراق همکاری می‌کنند، بازرگاری‌ها را جمع می‌کنند، انقلاب ایران همکاری می‌کنند، آن وقت وضعی بوجود می‌آید که نتیجه‌اش همان حقیقت و باطل، میان این که چه کسی انقلابی و چه کسی افزاینده‌های ارتجاعی و امپریالیستی است، دشوار می‌شود. البته ما می‌توانیم تشخیص بدهیم، ولی تشخیص آن برای همه نیروهایی که الان در انقلاب نقش تعیین‌کننده دارند، کار آسانی نیست. به این جهت توصیه ما که تاریخ درستی آنرا حتی به نیروهای واقف مبارز ضد امپریالیستی ثابت خواهد کرد، این است که برای جلوگیری از دستبرد به آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی اول حساب خودشان را از حساب نیروهایی که "وای آزادی" برایشان وسیله رسیدن به هدف‌های مخایر با هدف‌های انقلاب ایران است، جدا کنند، آن وقت است که به اعتقاد ما تلاش برای تأمین این آزادی‌ها می‌تواند شریختن باشد.

س: تأثیر سفر آقای رفسنجانی را به کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه و حرکت آینده انقلاب چگونه می‌بینید؟
 ج: همان‌طور که قبلاً در همین جلسه گفتیم یکی از نتایج بسیار مثبتی که در روند شناخت مقامات مسئول رهبری انقلاب ایران پیدا شده، همین است که آنها به باین نتیجه رسیده‌اند که کشورهای جبهه‌های مبارزه با امپریالیسم از نزدیکترین دوستان انقلاب ایران هستند و همان‌طور که حجت الاسلام رفسنجانی در یکی از صحبت‌هایش گفت، روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با این کشورها روابط برادرانه است یعنی دیگر نزدیکترین روابط سیاسی است. ما این شناخت را به فال نیک می‌گیریم و معتقدیم که بی‌آمدن عبارت خواهد بود از نزدیکی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با این کشورها که سال‌ها است بر موضع‌گیری قاطع و بی‌گرمی علیه امپریالیسم و صهیونیسم استوار هستند. یکی از موفقیت‌های جمهوری اسلامی در سیاست خارجی این است که مابا لاجرم توانستند تلاش‌های طولانی محافل لیبرال برای جلوگیری از این نزدیکی و همکاری ایران و کشورهای ضد امپریالیستی دنیای عرب، عقیم گذارد. به یاد داریم که در دوران دولت "گام به گام" و سپس به‌وسیله عوامل موثر لیبرال که در دستگاه دولتی و در مقامات حساس باقی مانده بودند چالش‌هایی به‌کار رفت تا روابط ایران و لیبی را هرچه بیشتر تیره کنند و لیبی را دشمن انقلاب ایران جلوه دهند. وسالاً ما می‌بینیم که همین کشور لیبی حتی در موضع‌گیری‌های قاطع علیه کشورهای ارتجاعی عرب، از انقلاب ایران علیه تجاوز آمریکا ساخته عراق به ایران پشتیبانی می‌کند. ما این نزدیکی میان کشورهای انقلابی اسلامی را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنیم و امیدوار هستیم که این یکی از پایه‌های سیاست خارجی آینده جمهوری اسلامی ایران باشد و این ترتیب جبهه نیرومندی از کشورهای ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم و دست‌نشاندهانش - از شاه برکتش و شاه اردش و قاپوس شاه گرفته تا شاه مصر و شاه پاکستان (البته این دو "شاه" اخیر تاج ندارند) - تشکیل شود.

س: در جلسه "پرسش و پاسخ" هفته‌های قبل گفته بودید که لیبرال‌ها در دستگاه‌های مقننه، قضایی و مجریه قدرت ناچیزی دارند. ولی با توجه به کارمندان و روسای وزارتخانه‌ها و ادارات که اکثریتشان از لیبرال‌ها هستند، آیا می‌توان گفت که نیروی لیبرال‌ها است و با ناراضی تراسی و کارشناسی‌های خود در کارخانه‌ها و ادارات و در مجموع سطح جامعه ایجاد خطر نمی‌کنند؟
 ج: اگر دوست سؤال کننده درست دقت کرده باشد، من نگفتم که نیروی لیبرال‌ها، آن هم در دستگاه‌های مقننه، قضایی و مجریه ناچیز است. من گفتم لیبرال‌ها در دوران اخیر، گام به گام، ولی نه با آن گام‌هایی که در دوران زمام‌داری، بلکه با گام‌های سریع، دارند مواضع خودشان را از دست می‌دهند. من به این نکته اشاره کرده بودم. اگر مواضع گذشته و حال آن‌ها را باهم مقایسه کنیم، می‌بینیم که در دوران دولت "گام به گام" مجلسی وجود نداشت و تقریباً تمام دولت در اختیار لیبرال‌ها بود به‌اضافه بخشی از شورای انقلاب که در آن شرکت داشتند. وقتی هم که آن دولت سقوط کرد، باز هم عده‌ای از وزراتخانه‌ها دست نمایندگانشان را بردارند و در شورای انقلاب هم مواضع شان را حفظ می‌کردند. قوه مقننه تقریباً تمامش در دست لیبرال‌ها بود. ولی از لحاظ اشتغال جاسوسی‌خانه و تشخیص‌شدن جرم لیبرال‌ها به‌عنوان نیروی سازشکار و تسلیم طلب ما می‌بینیم که مواضع لیبرال‌ها به تدریج از دست‌شان گرفته می‌شود. این نکته‌ای بود که من به آن اشاره کردم. ولی این که آنها نیروی ناچیزی باشند، من هرگز چنین چیزی نگفتم و بر عکس تأکید کردم که آن‌ها هنوز در اقتصاد و در دستگاه دولتی دارای قدرت قابل ملاحظه‌ای هستند. ولی آن چه اهمیت دارد، این است که زوئسد سیاسی در چه جهتی است؟ کدام نیرو در جهت تقویت پیش می‌رود و کدام جبهه و نیروها مواضع خودش را از دست می‌دهد؟
 به‌منظر ما لیبرال‌ها، مواضع خودشان را به تدریج از دست می‌دهند و تلاش‌های اغرض‌شان هم برای همین است که می‌بندند زمین دارد زیر پایتان خالی می‌شود و حتی در روزهای اخیر هم بازتقداری از مواضع خود را از دست داده‌اند.

س: با توجه به اشتباهات مجاهدین خلق در گذشته و در طول انقلاب و حمایت غلبت آن‌ها از مواضع لیبرال‌ها و اعلامیه‌ها و اخبار علی‌محرز، حزب چوموسی نسبت به مجاهدین دارد؟ آیا نباید بعضی از رهبران مجاهدین خلق را زیر علامت سؤال گذاشت؟ آخر آن‌ها عده‌ای از جوانان صادق و انقلابی را به این موضع‌گیری خطرناک می‌کشاند که مسلماً به زیان انقلاب است؟
 ج: ببینید، در بحث گذشته، توضیح کافی دادم که نیروهایی که در بخشی از مسائل سیاسی با لیبرال‌ها موافق هستند، چون در مسائل عمده‌ای که با آن‌ها اختلاف دارند، خود را از لیبرال‌ها جدا نمی‌کنند، عملاً در جبهه لیبرال‌ها قرار می‌گیرند. این توضیح به سازمان مجاهدین خلق هم مربوط می‌شود. البته ما هنوز عقیده نداریم که سازمان مجاهدین خلق در تمام موضع‌گیری‌های سیاسی خود در جبهه لیبرال‌ها قرار دارد. ما هنوز دلیلی برای یک چنین حکم سیاسی نداریم و در این مورد نمی‌توانیم با دوست سؤال کننده به‌طور کامل موافق باشیم. ما معتقدیم که سازمان مجاهدین خلق در مجموع خودش، با توجه به موضع‌گیری‌هایی که تاکنون داشته، نه در زمینه اقتصادی، نه در زمینه وابستگی به امپریالیسم و نه در زمینه‌های اساسی دیگر که برای ست‌گیری اساسی انقلاب مطرح است، به‌طور کامل در مواضع لیبرال‌ها قرار ندارد. ممکن است این با آن فرد در اینجا و با آن جای سازمان مجاهدین خلق در مواضع لیبرال‌ها باشد و آگاهانه بخواد سازمان را در آن جهت بکشاند، ولی در مجموع، ما معتقد نیستیم که آن‌ها در مواضع لیبرال‌ها قرار دارند. ولی متأسفانه روشی را که انتخاب کرده‌اند، طوری است که در بسیاری از موارد، در عمل سیاسی خود، در جبهه "لیبرال‌ها" قرار می‌گیرند. در گذشته هم، وقتی که جبهه دگرگانی ملی و دیگر سازمان‌های لیبرالی مشغول فعالیت و مبارزه بودند، سازمان مجاهدین خلق متأسفانه چنین وضعی داشت. و این وضع حالا کمی هم شدت پیدا کرده است. با وجود این ما هنوز حکم نمی‌کنیم که اگر سازمان مجاهدین خلق از فلان لیبرال حمایت می‌کند، این حمایت به‌عنوان حمایت از تمام بقیه در صفحه ۶

کارگران ساری: ما تا آخرین نفس می جنگیم و صدام را شکست خواهیم داد

"ما با عراق جنگ نداشتیم. او تجاوز کرده و ما جوابش را می دهیم. البته عراق دست نشانده آمریکا است. ما مادام سرباز منقعی خدمت ۵۶ است و دخترم بهیار و هردوبه جبهه جنگ اعزام شده اند و ما تا زمانیکه عراقیها در ایران هستند، آتش بس نمی کنیم." وارد یک نانوايي ميشويم و با کارگران آن صحبت می کنیم. شاطرن نانوايي بنام محمدباشی که ۱۵ سال است در آن کار می کند، می گوید:

"طرفداران رژیم سابق، کسه مخالف انقلاب ایران بودند و بعد از انقلاب فرار کردند، تعدادی رندبوسيله برپا کردن این جنگ، با اردیگره کشور ما بیایند، در نظر من هرکسی که به ایران حمله کند، با پدریته اورا بکنیم من یک کارگر ایرانی هستم و برای ملت ایران زحمت می کشم. ما قیام کردیم برای بهتر زندگی کردن. با اینکه از اهالی اینجانبیستم وزن و بچه من بعد از رفتن من بی سرپرست می مانند، با این همه در صورت لزوم حاضرم به جنگ اعزام شوم. من حتی

به کارفرمای خود نیز گفته ام که باید از هر ناانوائی یکنفر به جبهه اعزام شود و در آنجا به پخت نان مشغول شود. ما جنگ می کنیم و خاک خود را پس می گیریم. ما می جنگیم و زمین خود را می گیریم و وقتی آنها به کشسور خودشان رفتند و خسارت ما را پرداختند در آن صورت صلح می کنیم." کارگر دیگری بنام ذبیح سالو، که مدت دو سال است در همین نانوايي کار می کند، می گوید:

"ما هیچوقت حاضر نیستیم که کشور خود را انقلابان را از دست بدهیم. انسان باید از خود دفاع کند. آمریکا تعداد دردها را به خاطر منافع خودش شکست دهد، ولی ما بیروزی می شویم و آتش بسی نیز با عراق نداریم."

وارد یک کارگاه موزاشیک سازی، که در ایستگاه بهشراست، می شویم. کارگران کارگاه در حال خوردن صبحانه هستند. با آنها به گفتگویی نشینیم. محمدحسن فلاح ۱۴ سال است در کارگاههای موزاشیک سازی کار می کند. وی می گوید:

پس از شروع جنگ تحمیلی، کارگران میهنمان در سراسر نقاط کشور آماجگاه خود را برای مبارزه علیه رژیم تجار و زکرمصدا م اعلام کردند. آنها کمک مالی جمع آوری نمودند، در کلاس های بسیج آموزش نظامی دیدند، برای تولید بیشتر کوشش کردند و در اولیایانه به جبهه رفتند.

کارگران ساری نیز همچون دیگر کارگران و زحمتکشان، اتحادیه های خود را برای مقابله با تجار و زکرمصدا م اعلام کردند.

با گروهی از کارگران ساری به صحبت نشستیم، تا از اقدامات و چگونگی آمادگی آنها مطلع شویم.

ما موران آتش نشانی در حال آماده باش بودند. با آنها به گفتگو نشستیم، محمدحسن حداد، مامور آتش نشانی، چنین گفت:

چون شاه دست نشانده آمریکا بود، بعد از برکناری شاه، جنگ با آمریکا شروع شد. در حقیقت عراق به سه وسیله آمریکا تحریک می شود تا به ما فشار اقتصادی وارد کند، در حالیکه همه ما آماده دفاع از مملکت خود هستیم. این جنگ دفاع از کشور و انقلاب و حیثیت ما است. من با سلاح آشنایی دارم و آماده شرکت در جنگ هستم. چند تن از همکاران ما جهت کمک به جبهه رفته اند و تا وقتیکه صدام تسلیم نشود، ما آتش بس نمی کنیم."

موسی زرپور، معاون آتش نشانی نیز گفت:

"آمریکا به خاطر نفعت مان، که از دست او خارج شده، عراق را تحریک کرد تا به ایران حمله کند. ما به خاطر کشورمان نه تنها این جنگ را تحمل می کنیم، بلکه تمام کمبودهای ناشی از این جنگ را نیز تحمل خواهیم کرد. همه ما حاضریم در جنگ شرکت کنیم، من خودم در بسیج ثبت نام کردم، و چون دوره سربازی را دیده ام، با اسلحه آشنایی دارم. یکی از همکاران ما از همین کارگاه بطور داوطلب غا زم جبهه شد. مگر می توان کشور و انقلاب را تنها گذاشت؟ ما تا وقتی که صدام گورش را کم کند و خسارات ما را نیز پرداخت کرده، به جنگ ادامه می دهیم. تنها ضد - انقلابیها مانند سا و آکیها و سرمایه داران از جنگ فرار می کنند."

کارگران ساری خوب می دانند که هدف از این جنگ براندختن جمهوری اسلامی ایران است، نه ادعای مسخره ارضی. به همین دلیل با تمام وجود از انقلاب دفاع می کنند.

در همین کارگاه، رستم بیابانی که عمال است در موزاشیک سازی کار می کند، می گوید:

"بنظر من آمریکا عراق را تحریک می کند، تا برادران ما را بکشتن بدهد. آمریکا به آنها کمک می کند، تا جمهوری ما را از بین ببرد. شاه خائن هم این قعد را داشت، ولی هیچ غلطي نتوانست بکند. حالا صدام هم شکست خواهد خورد. ما مثل ضد انقلابیونی، چون سا و آکی ها، چپنماها و سرمایه داران، که از جبهه جنگ فرار می کنند، نیستیم. آدمهای مثل ما باید از کشور دفاع کنند، تا حداقل حیثیت ما حفظ شود. برادر در جبهه قمر شیرین است و خودم نیز در بسیج ثبت نام کرده ام. ما تا آخرین نفس می جنگیم، تا جان داریم می جنگیم، مگر اینکه عراق خسارت ما را بدهد و از ایران بیرون برود. در غیر این صورت ما هر چه کمبودی بکند جنگ بوجود آمده باشد با جان و دل تحمل می کنیم و صدام را شکست خواهیم داد."

به جمع گروهی از کارگران ساختمانی، که در حال صبحانه خوردن هستند، می پیوندیم. بایکی از آنها به نام مظفر محمدی، صحبت می کنیم. وی می گوید:

دو پسر عموی من در جنگ هستند. در حالیکه ضد انقلابیون مناطق جنگی از آنجا فرار می کنند، آنها به پیشواز جنگ می روند. هر چه قدر هم اسلحه های ما ضعیف باشد، با زهم با ایمان قوی و اتحادی که با هم داریم، از هر نظر قوی هستیم. ما برای حفظ انقلاب حاضریم جان خود را بدهیم."

اتحاد کارگران و دیگر زحمتکشان ایران بزرگترین و مستحکمترین نیرو برای مقابله با توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا است. کارگران به خوبی ضرورت تشکیل اتحاد دیر برای مقابله با این توطئه ها و پیروزی بر آنها را درک می کنند و سعی دارند با اتحاد و همبستگی در جهت رفع کمبودها و کمک به جبهه بکوشند، تا انقلاب در کوره مبارزه پیگیر آبدیده شود و هرمانعی را در راه گسترش خود از پیش پای بردارد.

کارگران لباس شویی: درآمد ما نسبت به کارکردمان خیلی کم است، ولی بکوری چشم آمریکا کار می کنیم

کارگران لباس شویی همچون سایر زحمتکشان کشورمان در شرایط بسیار دشواری کار و امرامعاش می کنند. اکثر آنان در کارگاه های کوچک کار می کنند و اغلب روز مزدند.

بیشتر کارگران این صنف با خطر بیکاری مواجه هستند، زیرا با کمبود مواد اولیه و همچنین تعداد کم مشتریها، هر روز چند لباس شویی تعطیل می شود. همچنین بعضی از صاحبان مغازه ها کارگران را رند و خود به تنهایی کار می کنند.

مشکلات و کمبودهای تمامی کارگران یکی است. تقاضای آنها از دولت تضمین حداقل حقوق انسانی است که باید به آنها توجه شود. برای آشنایی بیشتر با کمبودها و نارسائیهای زندگی کارگران، با آنها به گفتگو می نشینیم.

وارد یک لباس شویی در خیابان وصال می شویم. در این کارگاه ۸ نفر کار می کنند. بایکی از آنها صحبت می کنیم. می گوید:

من در اینجا پرس کارم و روز مزد کار می کنم. درازای ۱۲ ساعت کار، یعنی از ۸ صبح تا ۸ شب، ۱۰۰ تومان دستمزد می گیرم. با این درآمد کم، باید علاوه بر تامین مخارج ۶ نفر هم راه مقداری هم کرایه خانه بدهم. وی از گرمای طاقت فرسای محیط کار و عدم امکانات بهداشتی سخن ها دارد.

محمد، کارگر دیگر لباس شویی، می گوید:

"۱۴ سال است در این کارم. روزی ۱۱۵ تومان با اضافه کاری می گیرم. این دستمزد ناچیز کفاف زندگی را نمی دهد."

سری به یکی از لباس شویی های خیابان مولوی می زنیم: مهدی، پرسکار، درباره کارش می گوید:

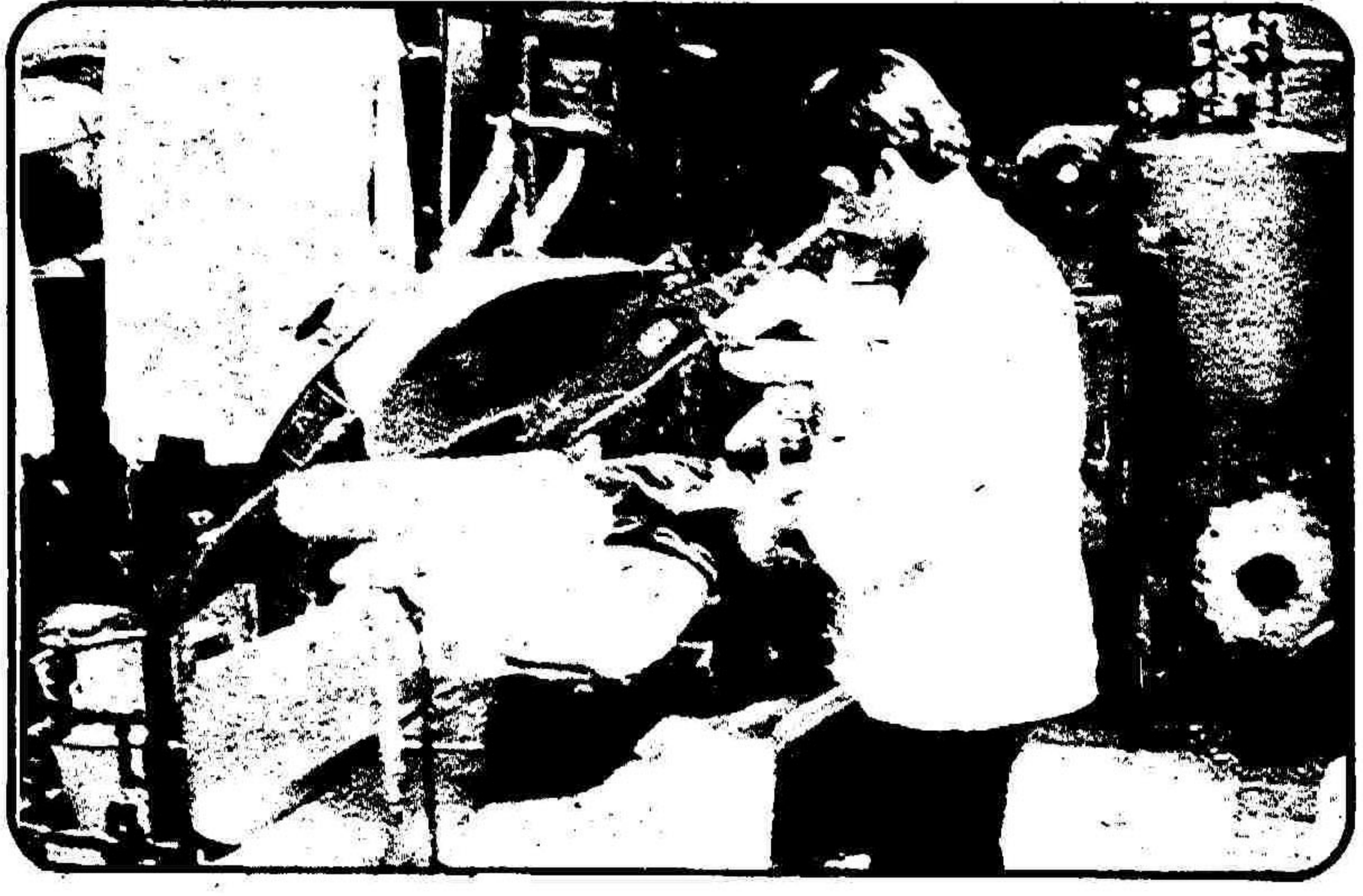
"درازای ۱۲ ساعت کار ۹۰ تومان دستمزد می گیرم. برای کار طاقت فرسا حقوق ناچیزی دریافت می کنم. درآمد ما نسبت به کارکردمان خیلی ناچیز است. نه بیمه داریم، نه حق اولاد و نه مسکن و نه هیچ چیز دیگر. اکثر کارگران این صنف از نظر رفاهی دچار کمبود هستند."

در مورد سندیکا می گوید:

"ما سندیکا داریم و اکثر اعضای آن نمایندگان واقعی ما کارگران هستند، ولی اغلب ما به علت کار زیاد و کمی وقت نمی توانیم به طور مرتب به آنجا برویم."

همه کارگران از ساعات کار زیاد و کمی حقوق و گرانی کله دارند. علی، کارگر دیگر لباس شویی، می گوید:

"این درآمد ناچیز (۶۳۵ ریال



کارگر ایرانی مدافع انقلاب و دشمن سرسخت امپریالیسم آمریکا است تا آینده روشن و تولید بخش فرارسد!

در روزدر ازای ۱۲ ساعت کار) با گرانی ما بحتاج زندگی ابتدا کار ساز نیست. گرانی سرسام آور است. ما از دولت می خواهیم راه حلی برای گرانی ما بحتاج روزمره پیدا کنند و حداقل لوازم زندگی را برای کارگران تامین نماید.

وارد یکی دیگر از لباس شوییها می شویم. سعادت، صاحب لباس شویی، که خود به تنهایی مشغول کار است از گرانی و کمبود مواد اولیه شکایت دارد و می گوید:

"قیمت مواد اولیه و وسایل کار خیلی بالا رفته و عده ای هم آنرا احتکار می کنند. مثلا کاغذ کیلویی ۴ تومان، ۱۲ تومان شده، پودر ۱۲۰ تومان، ۴۳۰ تومان شده و مواد کمیاب است. به علت همین کمی کار و کمبود مواد در آمد، نمی توانم کارگرها را بیاورم، چون نمی توانم مخارج او را تامین کنم. ما از دولت می خواهیم که برای جلوگیری از دامنه احتکار محتکرین و گرانی فروشان هر چه زودتر در امر تهیه و توزیع مواد اولیه دخالت کنند."

کارگران لباس شویی نیز، همچون دیگر افراد، حق استفاده از حداقل ما بحتاج زندگی را دارند. حقوق آنها ناچیز است و در بسیاری از کارگاه های لباس شویی از بیمه و دیگر حقوقی که در قانون کار گنجانده شده است خبری نیست.

باید حقوقی ثابت برای کارگران در حدتامين زندگی آنها در نظر گرفت و از احتکار مواد اولیه جلوگیری کرد. باید امکانات بهداشتی و رفاهی را نیز همراه با شرایط مساعد و مناسب کار برای کارگران فراهم کرد.

تنگنا های کنونی، که بطور عمده ناشی از مداخله و غارتگری امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، جنایت پیشه است از جهات بسیاری برای کارگران دشواری های زیادی ایجاد کرده است. طبقه کارگر ایران، در کنار سایر زحمتکشان، بار سنگین این مبارزه را بردوش دارد و از دلو جان محرومیت ها را می پذیرد. زحمتکشان ناگزیرند برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای تضمین پیروزی های بیشتر آن در مقابله با انواع دسیسه های امپریالیسم جهانی، که کمترین آنها محاصره اقتصادی است، با تمام وجود خویش فداکاری کنند و می دانیم که همین ها وارث انقلابند، صاحب اصلی آنند و هیچکس دیگری نمی تواند ایمان و دلسوزی آنان را داشته باشد. به این دلیل و دلایل متعدد دیگر، طبقه کارگر ایران شرایط را درک می کند و با کار و تولید بیشتر تحمل دشواری های دم افزون در سنگر انقلاب است، با این امید که آینه انده انقلاب روشنائی چشم و دل زحمتکشان باشد!

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

دهقانان مینویسند:

دهقانان بی زمین و کم زمین کلاته ملامحمد خواستار تقسیم زمین های مالک بزرگ شده هستند

تقویت کرد. با بید زمین را از دست مالکانی که نمی کارند و دام در آنها می چرانند و مانع کشت می شوند، گرفت و به دهقانان داد، تا جهاد کشت را با قدرت براه اندازند و هر چه بیشتر سود انقلاب و مین تولید کنند.

کلاته ملامحمد، در شمال قوچان واقع است و حدود ۶ خانوار جمعیت دارد. اخیراً هیئت هفت نفری مستقر در شمال خراسان، برای صورت برداری و بررسی زمین های این ده از روستا بازدید کرد. در صورت برداری از زمینها، مالک ده، مقدار زمینهای خود را کمتر از آنچه کدهست، ذکر کرده است. گروه تحقیق هیئت هفت نفری نیز در قبایل این امر گرفته است که، ما زمینها را خود هکتار خواهیم کرد، تا واقعیت روشن گردد.

دهقانان زحمتکش کلاته ملامحمد طی دو نامه از هیئت هفت نفری تقاضای تقسیم زمین های غصب شده شان توسط مالک زورگو را کرده اند. دهقانان در این دو نامه، که یکی از جانب دهقانان بی زمین و دیگری توسط دهقانانی که زمین شان از طرف مالک ده غصب شده، نوشته شده است، خواستار رسیدن حق به خودار شده اند.

در نامه اول، که بی زمینها به هیئت هفت نفری واگذاری زمین شمال خراسان نوشته اند، چنین می خوانیم: "ما دهقانان بی زمین روستای کلاته ملامحمد قوچان معروض می داریم: ما در این روستا ساکن هستیم، ولی بی اثر ظلم و ستم رژیم سابق هیچ زمین نداریم و مجبوریم به کارگری در شهرها برویم. با توجه به قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین توسط شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، که به نفع ما مستضعفین می باشد، خواستاریم به روستا آمده و به وضع ماریسدگی شود، تا بتوانیم بقیه عمر خود را در سایه زحیری انقلاب، امام خمینی و جمهوری اسلامی زندگی کنیم و از آوارگی در این شهر و آن شهر خلاص شده و بتوانیم با کثرت و رزق خود، انقلاب و ایران را از بنتر اقتصادی خود کفا کنیم.

با تشکر از اقدامات شما عده ای از دهقانان بی زمین روستای کلاته ملامحمد - قوچان

زیر نامه دوم اثر انگشت دهقانانی دیده می شود که مالک بزرگ زمین آنها را غصب کرده است. در این نامه از جمله چنین می خوانیم:

"زمینهای پدر بزرگ ما که در اختیار ما بوده و به کشت می پرداختیم، توسط بزرگ مالک تصرف شده است. این زمین در آن زمان در اختیار براتعلی جبرئیلی جبرئیل جبرئیلی بوده است. این زمین حدود "ده سیر" بوده است. با توجه به قانون اصلاحات ارضی تصویب شده در شورای انقلاب مالک از ترس اجرای این قانون زمینهای ما را به اهالی "تا چکانلو" فروخته است. زمینهای دیگری هم که این شخص دارد، نگهداری نکرده و محصول را به گوسفندانش می دهد و زمین را می چراند.

ما با پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی و پشتیبانی از قانون اصلاحات ارضی، که به نفع ما مستضعفین می باشد، خواستاریم که از طرف این هیئت به روستا آمده و به خواست ما رسیدگی کنید و مانع از درگیری و تشنجی که این مالک بوجود می آورد، بشوید.

اثر انگشت دهقانانی که زمین - ما ایشان غصب شده. دهقانان، در شرایط حساس کنونی و در سراسر دوران زندگی یکسال ونیمی که از پیروزی انقلاب گذشته، همیشه سنگر دفاع از حقانیت و دستاوردهای انقلاب بوده اند. امروز نیز باید با رسیدگی به خواست بحق آنان، این سنگر را در برابر تجاوزات امیرالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین

مشکلات موجود در روستاهای اطراف اردبیل

روستای شهرپور، دره (کیلومتری اردبیل، ۱۰۶۰ نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا بزرگترین مشکل خود را مسئله آبیاری می دانند. اراضی حاصلخیز و پربرکت این روستا بر اثر کم آبی حاصل چندان نمی دهند.

در باصطلاح اصلاحات ارضی رژیم طاغوت چنان بود که حدود ۱۰۰ زمینهای مزرعوی در اختیار فئودال گاه باقی ماند. بعد از انقلاب، این زمینها در فروردین ماه امسال بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم شد، ولی چون این تقسیم اصولی نبود، جهاد سازندگی با کمک هیئت ۷ نفری اعزامی به اردبیل، این زمینها را در اختیار خود گرفته و اداره و برداشت محصول را برعهده دارد.

علاوه بر مسئله زمین و آب مشکل دیگر این روستا آفات نباتی است. مزارع کشت در معرض هجوم نوعی آفت (باصطلاح محلی لسه) قرار می گیرند و همه ساله خسارات زیادی متوجه کثرت زوربان می شود.

اختلاف بر سر مسئله آب ما بین این روستا و روستای "پاروق" سالهاست که روستائیان را بخود مشغول کرده است. روستای دیگر "میرنی" است با ۴۰ خانوار، که در حدود ۱۲ کیلومتر از اردبیل فاصله دارد. مزارع آبی آبی به زردی می گراید. اهالی چاره این درد را در سببندی می دانند. به عقیده آنها اگر سببندی انجام گیرد، تمام روستاهای منطقه از نظر آب تامین خواهند شد.

این روستا فاقد آب آشامیدنی است نبودن حمام و خرابی مدرسه و جاده از مشکلات دیگر روستائیان است. دست خردان از تحصیل محرومند. محصلین برای ادامه تحصیل مجبورند به روستای شهرپور یا اردبیل بروند، و چنین کاری فقط اشخاصی که وضع مالی خوبی دارند می توانند انجام دهند.

جوانی که خودش را یوسف کاظمی معرفی می کند می گوید: بخاطر فقر خانواده و کمک به تامین معاش خانواده ام، از تحصیل دست کشیدم.

روستای "پاروق"، یکی دیگر از روستاهای فقرزده این منطقه، نمونه دیگری از ارضه رژیم منحوس گذشته است.

این روستا با ۳۰۰۰ نفر جمعیت در ۱۲ کیلومتری اردبیل قرار گرفته و در آن مسئله آب مشکل بزرگی برای روستائیان است و هر سال اتفاقات ناگواری بیار می آورد. در این روستا زمینهای زراعی، به وسعت تقریباً ۱۷۰ هکتار، هنوز در اختیار چند مالک بزرگ از یک خانواده است. در مانگاه روستا بلا استفاده مانده است. جاده در این روستا نیز یکی از مشکلات مهم دیگر است. بایک گذار به این روستا می توان به مشکلات اساسی آنها پی برد: زمین و آب، دادسرای اردبیل پراست از روستائیان که بخاطر حل مسئله آب مراجعه می کنند.

در شرایطی که کشور ما در محاصره اقتصادی و توطئه های گوناگون امپریالیسم آمریکا قرار دارد، باید به حیاتی ترین مسائل روستائیان، که در انقلاب شجاعانه و با تمام قوا شرکت کردند، توجه کرد، تا بتوانند ضد انقلاب و شیطان بزرگ را شکست داد. در این شرایط دشوار جنگ دهقانان محرومیت های فراوانی را تحمل میکنند، به این امید که در سنگر جبهه و در پشت جبهه، دین خود را ادا کنند و زمینه ساز زندگی بهتری در آینده باشند.

با اجرای عادلانه قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین و کوتاه کردن دست مالکان بزرگ از روستاها میتوان ضد انقلاب را تا امید کرد.

برای حل مشکل کمبود آب آشامیدنی و زراعی، باید به اجرا برنامهای بنیادی و انقلابی دست زد. دفع آفات، ایجاد تعاونی های تولید و مصرف در مانگاه، مدرسه، برق کشتی به روستا و غیره کمک می کنند، تا دهقانان وظیفه مهم و حیاتی از دید محصول و کشت بیشتر و بی نیاز کردن کشور را از نظر آذوقه عملی سازند. وظیفه انقلابی مقامات است که در این باره تدابیر جدی، فوری بیاندیشند، تا به دهقانان برای شرکت در جهاد کثرت و رزق و درهم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا کمک شود.

از دروازه مشکین شهر در طول جاده اردبیل - مشکین شهر، که حرکت کنی، در دو طرف جاده می بینی کبک روستاهای کوچک و بزرگی جا گرفته اند. سوختگی چهره ها در فصل کار و دستهای پینه بسته و گونه های گودا و استخوانی از مشخصات اصلی این روستاها است. با یک نگاه، هزاران درد در چهره کودکان میتوان خواند. برای آشنائی بیشتر سری به این روستاها می زنیم:

فئودالها، درگیری ایجاد می کنند و دشمن بهره برداری می کند

در روستاهای سودر، سیرمند و مزرعه در بخش حاجی آباد شهرستان بندرعباس، چندی پیش بیش از ۲۰۰ نفر دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا زمین فئودال منطقه را در اختیار خود گرفتند و به زیرکشت بردند، تا محصول را برای مین انقلابی خود تامین کنند و در شکستن محاصره اقتصادی آمریکا سهیم باشند. فئودالهای منطقه، که هنوز خواب روزهای گذشته را می بینند، مخفیانه زمین مذکور را خریداری کرده اند و به دهقانان می گویند که: شما روی این زمین هیچگونه حق ندارید و زمین را ما خریداریه ایم و پسند خرید را هم نشان می دهند. دهقانان البته با این عمل مخالفت می کنند و زمین را حق مسلم خود می دانند و مطمئن هستند که جمهوری اسلامی ایران از حق واز مستضعفین حمایت خواهد کرد.

فئودالها با بیشرمی به دادگاه شهرستان علیه دهقانان "شکایت" می کنند، که از آنجا به دادگاه انقلاب منتقل می شود. دهقانان برای مقابله با توطئه فئودالها، هفت نماینده از میان خود انتخاب می کنند. فئودالها به کمک برخی عناصر نابا به که متاسفانه خود را در کارگانه های صاحب مسئولیت جا کرده اند، هفت نفر از نمایندگان دهقانان را که از روستای سودر بودند به زندان می اندازند. دهقانان در برابر دادگاه انقلاب تجمع و به این عمل اعتراض می کنند. فئودالها با بیشرمی به دهقانان می گویند: "نمایند شما را که به زندان انداختیم، بعد هم نوبت شماست!"

این گفته فئودالها منجر به درگیری و زخمی شدن تعدادی از دهقانان و عمال فئودالها می شود. سرانجام هفت نمایندگان دهقانان آزادی می شوند، ولی هفت دیگر از دهقانان همچنان در بازداشت می مانند، که کشاورزان خواهان آزادی و نفع آنها هستند.

دهقانان مصممانه از حق خود و از اهداف انقلاب دفاع و همچنان در برابر فئودالها مقاومت می کنند. آنها زمینها را در اختیار دارند و نگذاشته اند که اربابان مفتخوار بر آنها چنگ بیاندازند.

جای تاسف است که برخی مقامات بجای دستگیری فئودالها، که پایگاه داخلی امریکای جهان خوار هستند و در صفا انقلاب قرار دارند، دهقانان زحمتکش را بازداشت کردند. مقامات مسئول باید طبق قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب، که به تصویب فقها و تأیید امام خمینی نیز رسیده است، هر چه زودتر زمینها را به صاحبان واقعی آنها، دهقانان واگذار کنند و به توطئه گری مالکان و فئودالها پایان دهند.

دولت باید با پاکسازی عناصر مخرب و ناپاک از درون دستگاه های دولتی و نهادهای انقلابی، به زحمتکشان و انقلابیاری رساند. دهقانان این روستاهای بندرعباس به تجربه میدانند که تنها در سایه اتحاد و تشکل است که میتوانند به خواستهای خود دسترسی پیدا کنند.

کمک اهالی روستاهای جرقویه سفلی و علیا به مناطق جنگزده

با همکاری شوراهای روستاهای جرقویه سفلی و علیا (در ۷ کیلومتری جنوب خاوری اصفهان) مقدار نسبتاً زیادی دارو از مناسیل جهت کمک به مناطق جنگ زده گردآوری و فرستاده شد. همچنین توسط شوراهای مزبور مبالغی کمک های نقدی و جنسی به همین منظور جمع آوری شد. اهالی روستای مذکور با احساس همدردی به هموطنان جنگزده خود و نیز با احساس کینه نسبت به صدام جنایتکار و حامی وی شیطان بزرگ، در فعالیت های مختلف، در	ارتباط با جنگ تحمیلی شرکت می جویند. شرکت دهقانان زحمتکش در جبهه و برای تقویت پشت جبهه نمونه روشنی از اعتقاد و امید دهقانان به انقلاب و تحکیم دستاوردهای آنست که هم اکنون با توطئه امپریالیسم	آمریکا بصورت تهاجمی به ایران توسط رژیم مزدور صدام حسین در معرض تهاجم قرار گرفته است. با اجرای قانون اصلاحات ارضی دستاوردهای انقلاب را هر چه بیشتر تحکیم و پایگاه داخلی امپریالیسم را ویران کنیم.
---	--	--

دراثر خرابی پل، اهالی منطقه رشت - صومعه سر امچورند مخارج زیادی را متحمل شوند

مدتی است پل جمعیه بازار، در اطراف رشت - صومعه سر اشکسته شده، که رفت و آمد دهقانان این منطقه را دشوار کرده است. اهالی این منطقه	مجبورند از این باب متحمل مخارج زیادی شوند. کرایه شخصی ۸۰ ریال و مینی بوس هر ریال است و تا مین پول آن از عهده اهالی مستضعف این	منطقه بر نمی آید. به گفته اهالی، ترمیم این پل، کاملاً مورد احتیاج است و باید هر چه زودتر از طرف مقامات استناداری در جهت ترمیم آن اقدام شود. بنا ترمیم این پل، با رستگینی از دوش دهقانان برداشته میشود و شرایط تولید برای تقویت اقتصاد در پشت جبهه سهل تر خواهد شد.
--	---	--

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند. دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

نامه سرگشاده کانون صنفی فرهنگیان در مورد نحوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش

احتراما

کانون صنفی فرهنگیان در رابطه با نحوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش تاکنون نظرات و انتقادات خود را طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مکرر اعلام داشته است...

صنایع کار آمریکا، به نتیجه این تهاجم دل بسته‌اند. ایجاد هرگونه تشنج و تفرقه در صفوف بیم فرشته مردم، ایجاد ناراحتی‌های بیجا، رساندن افراد مومن و متعهد...

می‌توان از طریق کلاسها و سمینارهای توجیهی ارشاد کرد و سمت صحیح را به آنها نشان داد و آنها را به عقابیت انقلاب و لزوم حفظ استقلال و مبارزه با استکبار جهانی آشنا ساخت...

پس از پیروزی انقلاب برهبری خردمندانه اسامی خمینی، لزوم پاکسازی و طاعت زداشی در همه شعبه شئون اجتماعی کشور در دستور روز قرار گرفت. مسلم است که در وزارت آموزش و پرورش نیز، که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است این امر خطیر بایستی با دقت و بدون شتابزدگی و با قاطعیت توأم با حسن نیت انجام می‌گردد...

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به محور هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی، میدانند (پایه ۶ از اصل سوم قانون اساسی) ۲- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان بصرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. (اصل ۲۲ قانون اساسی) ۳- حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض ممنوع است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. (اصل ۲۲ قانون اساسی)

از نظر کانون صنفی فرهنگیان ملاک‌گزینش معلم نمیتواند چیزی جز عشق به استقلال میهن و حفظ و تحکیم بنیاد جمهوری اسلامی ایران باشد. بنظر ما هر مصلحت‌طلبی و نسیب و فاقه اعتبار است. در خاتمه موارد مشفمی که بنظر کانون صنفی فرهنگیان میتواند در تدوین ملاکهای پاکسازی مورد استفاده نمایندگان محترم عضو کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی قرارگیرد، بشرح زیر تقدیم می‌دارد: ۱- اعلام رسمی لیست اعضاء و غیرچینیان ساواک در وزارت آموزش و پرورش ۲- پاکسازی و طرد عناصر ساواکی و وابستگان به رژیم سابق و همه کسانی که با دستگاه ظلم طاغوت و حزب رستاخیزی شمشاخته همکاری موثر داشته‌اند (وابستگان رژیم سابق کسانی محسوب میشوند که طبق مدارک و اسناد، در رژیم پیشین دارای پست و مقام بوده و در اشاعه فرهنگ فاسد آریامهری - آمریکاکی کوشیده‌اند) ۳- عدم استخدام مجدد افراد مذکور در بند ۲، در آموزش و پرورش و سایر ادارات دولتی، ۴- اخراج افرادی که طبق مدارک مستند، به رشوه‌خواری و اختلاس، رواج فساد در فرهنگ و فساد صلاحیت اخلاقی، متهم هستند.

پرسی مسائل

پرسی از صفحه ۳ بقیه
وضع گیری‌های او است. ولی نمی‌توانیم از این انتقاد صریح خودداری کنیم که آنها نتوانسته‌اند میان خود و ولیراها یک حد فاصل روشن و یک خط قرمز بکشند و خود را از نیروهایی که آشکارا در جهت مخالف سئوگری‌های اساسی انقلاب ایران کام برمی‌دارند، جداکنند. ما می‌دانیم که از برای سازمان مجاهدین خلق دربار، نقش روحانیت مبارز، از جهاتی شبیه از برای‌های "اقلیت" سازمان چریک‌های فدایی خلق است و ما این از برای‌ها را نادرست می‌دانیم. البته سازمان مجاهدین خلق آزاداند که نظر خود را داشته باشد. ولی ما این موضع گیری را برای جمع نیروهای مبارز ضد امپریالیستی و خلقی زیانمند می‌دانیم و به همین جهت هم مورد عتاب و خطاب سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته‌ایم، منتها به طور غیرمستقیم یعنی توسط گروهی که خود را سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه‌های ایران می‌نامد و وابسته به مجاهدین خلق است. این گروه نشریه‌های سرشار از فحش و ناسزا و در سطح فحاشی نشریه‌های واقعا ساواکی، علیه حزب توده ایران پخش کرده است. ما می‌خواهیم تردید کنیم که خلقی در یک چنین سطح پایین، واقعا توسط سازمان مجاهدین خلق پخش شده باشد. چه با ما سخن است، و مخالفان آنها، کسانی که می‌خواهند آب را گل آلود کنند، برای دور کردن بیش از پیش نیروهای واقعا انقلابی از یکدیگر، دست به انتشار آن زده باشند. لحن این نشریه شبیه است به لحن نوشته‌های روزنامه‌های لیبوال علیه حزب توده ایران، شبیه است به لحن همان حرف‌های که گروه اشرف دهقانی و سازمان پیکار علیه حزب توده ایران می‌زنند.

ما امیدواریم که اعضاء محترم کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی ترتیبی اتخاذ فرمایند که هر چه زودتر اسامی ساواکیها و تمزیه گردانان فاساد رستاخیزی در آموزش و پرورش اعلام و محیط آموزش کشور یکبار برای همیشه از لوث وجود آنان پاک گردد. اصل بی- جلوگیری از برکنار ساختن معلمان مومن به انقلاب تنها بدلیل داشتن عقاید سیاسی. بفرموده آیت‌الله منتظری افراد متخلف در هر جا که هستند، اگر بر علیه انقلاب توطئه نکنند، باید از وجودشان استفاده شود. نظیر این سخن را بسیاری از رهبران انقلاب و مقامات مسئول مملکتی اظهار داشته‌اند. آیت‌الله منتظری در جای دیگر فرموده‌اند که: توطئه گر هر چند که تخصص برجسته داشته باشد، باید به سود انقلاب تصفیه کرد، زیرا، چو زدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا.

کانون صنفی فرهنگیان نیز به این بیانات سنجیده و منطقی احترام می‌گذارد و معتقد است که عناصر مرزداقلاب به هر شکل و حیاتی که در آیند، باید از صحنه آموزش و پرورش کشور طرد گردند، و در هر درجه‌ای از سئو، گیاست و تخصصی که باشند، باید عطاایشان را به لقایشان بخشید. با توجه به موارد فوق، عادلانه نیست که معلم کارکنان و ورزیده‌های را که عمری در تعلیم و پرورش جوانان سپری کرده و با انواع مجرمیتها، حق کشیها، حقوق کم و سختی معیشت ساختن و شرافتمندان و وظیفه خود را انجام داده، و از همه مهمتر، بدون هراس از شبکه مخوف خیرچینیان و شکنجه‌گران ساواک آریامهری، همواره بذراستقلال طلبی و وطن پرستی و بیکارچوئی علیه ظلم و استبداد را در دل جوانان وطن گاشته است صرفا بدلیل داشتن عقاید سیاسی از ادامه کار مورد علاقه خود محروم ساختن نگرفته نماید. که برخی از همین معلمین، که بناحق مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، بخاطر اعتقاد راسخی که به حق و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی دارند، هم اکنون با نهایت ایثار و اخودگذشتگی در جبهه‌های جنگ مشغول نبرد با نیروهای شیطانی مدام مزدور هستند. مضافا اینکه، برخی از این تصفیه‌شدگان را، که دارای هیچگونه ایدئولوژی سیاسی نیستند و با احتمالا نسبت به انقلاب بی‌تفاوت هستند و یا هنوز به عمق و عظمت و ارزش والای انقلاب ضد امپریالیستی مردمی ما بی‌نبرده‌اند.



پایان

طبقه کارگر ...

طبقه کارگر و گامهای کوچک به سود کارگران، با همان شکل و محتوای دوران طاغوت باقی مانده و حتی کسانی هنوز مقامات وزارت کار را در تصدی دارند، که پرورش یافته و آموخته مکتب طاغوت هستند، یا شیوه‌های کار آن دوران خو گرفته‌اند، بی‌باوری بصورت کارگران، تسلیم در برابر سرمایه‌داران، بی‌اعتنائی به خواسته‌های طبقه کارگر و تحقیر و توهین نسبت به این طبقه آفریننده نعمات، طبیعت ثانوی آنان شده است. کارگران کارگران به مطبوعات کشور و مقامات مسئول شکایت برده‌اند که در دوران پس از انقلاب، اکثر مسئولین وزارت کار، همانند دوران طاغوت با ما رفتار میکنند، از این اداره به آن اداره ما را پاس میدهند، کار ما را از امروز به فردا می‌اندازند و سرانجام هم غالباً حق کسی میکنند و بطور عمده جانب کارفرما را میکشند.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، که شدیدترین مبارزه از سوی سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی علیه انقلاب جریان داشته، طبقه کارگر نخستین آماج حملات این طبقه ضدانقلابی بوده است. بی‌انصافی‌ها و کارشکنی‌های کارفرمایان کارگران را گروه گروه به خیابانها ریخته است. به بیانه کاهن تولید، تقلیل بهره‌دهی و تنزل سود، حقوق قانونی کارگران را لگدمال ساخته‌اند، حداقل دستمزد را رعایت نکرده‌اند، سود ویژه را نبرداخته‌اند، از اجرای همان قانون کار طاغوتی طفره رفته‌اند، برمزایای کارگران قلم کشیده‌اند، آنان را بیمه نکرده‌اند، بهداشت و ایمنی محیط کار را بفراموشی سپرده و هر روز و هر هفته از کارگران قربانی گرفته‌اند و متأسفانه وزارت کار و امور اجتماعی در برابر اینهمه تعدی و اجحاق، غالباً ساکت مانده و ماده ۳۳ قانون کار دوران طاغوت، با حفظ اشارت خود در مسئله اخراج کارگران، حق را بجاتب کارفرمایان داده است.

اکنون وعده آقای محمد میر صادقی، وزیر جدید کار و امور اجتماعی که، وزارت کار به وزارتخانه مدافع اصلی حقوق کارگران تبدیل خواهد شد، بیشارتی است برای طبقه کارگر، که میخواهد ثمرات انقلاب را در محیط کار و زندگی خود لمس کند.

برای آنکه این وزارتخانه حساس، که با زندگی شش میلیون کارگر سروکار دارد، به یک وزارتخانه مردمی مبدل شود، باید سازمان آنرا زیر و رو کرد و کسانی را در مقامات حساس تشاند، که مومن به انقلاب و معتقد به حقوق طبقه کارگر

باشند. اگر قرار باشد همان یازدستی که در دوران طاغوت در پایمال کردن حقوق کارگران، همدست کارفرمایان بودند، هنوز هم بعنوان بازرس وزارت کار عمل کنند، مسلماً همان حق کسی، به شیوه‌های دیگر ادامه خواهد یافت. اگر قرار باشد همان هیئت‌های حل اختلاف، که در دوران طاغوت، جانب کارفرمایان را میکردند، امروز هم هیئت‌حل اختلاف باشند، حتی از کارگران ایفا نخواهد شد. از اینجبه است که تجدیدنظر اساسی در سازمان وزارت کار، هم در شکل و هم در محتوا، امری ضروری است.

مسئله مهم دیگری که آقای محمدمیر صادقی بر آن تکیه کرده، ارجاع قانون جدید کار به نظرخواهی کارگران است، امری که پیوسته از خواسته‌های کارگران بوده است. کارگران قانون کار طاغوتی را ناقص حقوق خود میدانند و خواستار قانون جدیدی هستند که بازتاب خواسته‌های آنان باشد. جای خوشحالی است که اکنون وزیر جدید کار میگوید:

«قانون کار در حال تدوین است... ما معتقد هستیم که حکومت روی زمین یا مستضعفین است و سعی میکنیم که در این جهت حرکت کرده و قوانین در این خط باشد.»

وزیر جدید کار با بیان این واقعیت که، کارگران بهتر میتوانند ضعف‌های موجود در قوانین کارگری را مشاهده کنند، از کارگران سراسر کشور خواسته است که:

«برای رسیدن به اهداف عالی، نظرات و پیشنهادتشان را به وزارت کار ارسال کنند.»

نکته‌ای که طرح آن سجداً و در اینجا بطور اخص ضروری است، آنستکه، دستبندی به نظریات و پیشنهادهای کارگران با مراجعات فردی و گروهی ممکن نیست. زمانی وزارت کار خواهد توانست از نظریات طبقه کارگر پندرتی اطلاع یابد که متن قانون جدید در سازمانهای سیاسی - صنفی کارگری، یعنی اتحادیه‌ها و سندیکاهای مورد بحث و مذاکره قرار گیرد نظریات کارگران بوسیله نمایندگان منتخبشان طی یک کنفرانس سراسری اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری، به اطلاع مقامات مسئول برسد و در قانون جدید بازتاب یابد. بنابراین، وزیر جدید کار و امور اجتماعی، که معتقد به شرکت فعال کارگران در تدوین قانون کار است، باید از هم اکنون تمام مواضعی را که بر سر راه تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری وجود دارد، از میان بردارد و مروج و مشوق تشکیل و گسترش اتحادیه‌ها و سندیکاهای - این نهادهای مدافع حقوق کارگران - باشد.

اشاره دیگر وزیر جدید کار

و امور اجتماعی، بر ضرورت تعیین حدود مالکیت از سوی مجلس شورای اسلامی، اشارتی است کاملاً منطقی، زیرا میباید ماندن حدود مالکیت در بخش صنعتی، موجب سوء استفاده‌های فراوان سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی شده است. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که سرمایه‌داران بزرگ توانسته‌اند، کارخانه خود را از شمول ملی شدن، یک قلم خارج کنند و موارد دیگری وجود دارد که پیرونده کارخانه فلان سرمایه‌دار، بتدریج از بخش صنایع ملی شده غیب شده و به قسمت صنایع و مصادف بخش خصوصی انتقال یافته است. نمونه گویای آن، پیرونده «منبتی» هاست که به نوشته اطلاعات (۴ آذر ۵۹) هشت ماه پس از محاکمه، هنوز تصمیم قطعی در باره شان گرفته نشده و پیرونده کارخانه شان از بخش صنایع ملی شده به صنایع معادن بخش خصوصی عودت داده شده است و این نمونه‌ها کم نیست.

حل مسئله بیکاری، با آنکه منحصر در حیطه وظایف وزارت کار و امور اجتماعی نیست، و در پیوند مستقیم با برنامه‌های اقتصادی و عمرانی دولت قرار دارد، ولی با وظایف این وزارتخانه هم بیگانه نیست و توجه وزیر جدید کار، آقای میر محمدصادقی نسبت به مسئله بیکاری توجیحی است منطقی و لازم.

تعداد ۵۰۰ هزار بیکار که در دفاتر آمار وزارت کار منعکس است، آمار واقعی است غیر واقعی، زیرا همه آمارسرو آس و وسایلی و چراغ قوه قروشان دوره گرد جزو شاغلین ب حساب آمده‌اند، در حالیکه اینها مشاغل کاذب است، که به علت ابتلاء به بیکاری بوجود آمده است. این خیل ده‌هزاران و دوره گردها در واقع جزو سپاه بیکارانند که برای امرار معاش روزانه خود به چنین مشاغل کم‌پول آمدنی پناه برده‌اند. اینان به غلط در شمار شاغلان محسوب شده‌اند.

مسئله بیکاری، مسئله‌ای است جدی، که با زندگی میلیونها نفر هموطن ما سر و کار دارد و جنگ تحمیلی آنرا حادثی هم کرده است. با این مسئله جدی و حاد باید برخورد جدی داشت و با تدوین برنامه‌های اقتصادی منطقه‌ای و سراسری درازمدت و کوتاه مدت، برای بیکاران کار تهیه کرد.

توقع طبقه کارگر آنست که - همانطور که آقای وزیر کار و امور اجتماعی وعده داده‌است - از این پس وزارت کار را وزارت کارفرمایان نبینند، قانون کار بازتاب خواسته‌ها و مدافع حقوق او باشد، دست سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی از صنایع کشور کوتاه شود، و در راه تحقق حاکمیت مستضعفین، گامهای اساسی برداشته شود. یامید آرزو.

حجت الاسلام موسوی ...

بقیه از صفحه ۱

از این بحث وجود دارد، و الا يك بحثی به این روشنی چطور میتواند جنجال بیافریند. آیا تاکنون يك انسان عاقل گفته است که ما به تخصص نیازی نداریم، مگر میشود «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون». در هیچ منطقی، در هیچ ذینی، متخصص و غیر متخصص نمیتواند یکسان باشد. همچنانکه در آن طرف قسبه مساله ایمان و مکتب مطرح است و هیچکس نمیتواند بیگوید ایمان و مکتب اسلاما میارینست، یعنی مومن و غیر مومن یکسان باشند و خود قرآن میگوید: آیا مومن و غیر مومن یکسان هستند؟ و بنظر من هر دو مساله از دیدیترین مسائل است، اما این مساله بصورتی مطرح است که تصور میشود در جامعه ما یک قشری هستند که معتقدند ایمان ارزش ندارد و گروه دیگری عقیده دارند تخصص ارزش ندارد و انسان احساس می‌کند که یک «دستی» آمده‌است که این دو عده را به هم بیندازد.

در تقسیم‌بندی اجتماع ما این حالت پیش آمده است که گویا یک عده بیشتر مؤمن اند و یک عده بیشتر متخصص و در نظام اجتماعی گذشته یک عده مومن و متقی بوده‌اند و یک عده روشنفکران و متخصصان، و چون این حالت غلط در جامعه قبلی ما وجود داشت، الان این حالت مطرح است و میخواهد به آتانی که متخصصانند بگوید که مومنین شما را قبول ندارند، و برعکس، به مومنان بگوید که متخصصین شما را قبول ندارند و درست تمام آن زحمات امام، که برای نزدیک کردن این دو قشر از جامعه صورت گرفته است، بی اثر شود و از دو قشر به یکدیگر پیام دروغ فرستاده‌اند که هر دو فکر کنند دشمن یکدیگرند و بدون شک شیطان بزرگ طراح این اختلاف است. در حالیکه ما نمیتوانیم آنکارا کنیم که مومن بدون تخصص یقیناً ارزش گشتری از مومن متخصص دارد، و متخصص مومن بیشک اعتبار و ارزش بیشتری از متخصص غیر مومن دارد و باز برمیگردیم به فرمایش امام، که ما را با یکی داده‌اند، زیرا که هدف طرح این مسائل بدیهی و روشن به هم ریختن ماست. امیدوارم که هر دو قشر متوجه باشند که این بحثها، اکنون بحث اصلی و مساله عمده ما نیست، بلکه فقط میخواهند ما را بآزادی دهند.

سبب حجت الاسلام موسوی خوئی‌ها در مورد این موضوع که آیا حل مساله گروگان‌گیری در صورت جنگ دارد گفت:

«همانطور که من در جلسات غیرعاری مجلس هم گفته‌ام، مساله جنگ با گروگانها اسلاماً تیطبی ندارد و این از شیطنت‌های خود آمریکاست که می‌خواهد با تبلیغات در ایران توسط ستون پنجم خود به مردم بگوید تمام این مشکلاتی که شما درگیر هستید، از جانب همین پنجاه نفر آدم است و نتیجتاً مردم به این قضاوت بنشینند که آیا گروگانگیری برای ما آنقدر اهمیت داشت که ما این چنین تلفات و صدماتی بدهیم؟ و این خط آمریکاست، چرا که جنگ ربطی به گروگانگیری ندارد و این جنگ تحمیلی به آمریکا ارتباط دارد، چرا که ارست که عراق را تحریک می‌کند و هم او نیز منافع این جنگ را می‌برد، زیرا هر ضربه‌ای که به انقلاب اسلامی ایران بخورد، منافعی به جیب آمریکا می‌رود و هر کس که در این ضربه‌زدن به ما سهیم باشد، در حقیقت به نفع آمریکا اقدام کرده است و به فرمایش امام تمام بدبختی‌های ما از آمریکاست و به همین دلیل تمام حملات و تفنگها و قلم‌های ما باید بسوی آمریکا نشانه برود. آمریکا برای ۵۰ انسان نیست که دست به توطئه علیه ما می‌زند، بلکه ما با آمریکای اقتصاد اصلی و غیر قابل حل داریم، چرا که منافع آمریکا را ما در ایران نابود کرده‌ایم. چطور شصت هزار شهیدی که در ایران کشته شدند برای آمریکا ارزشی نداشت؟ چگونه چندین هزار آمریکایی را دولت آمریکا در ریتنام به کشتن داد؟ پس معلوم است که گروگان‌ها هیچ ارزشی از نظر انسانی

برای آمریکا ندارند ما گروگان‌گیری نکرده بودیم، اما موضوع ما همان موضوع امام باشد که توی دهن آمریکا می‌زند، مسلماً آمریکا علیه ما توطئه می‌کرده اما اگر برعکس، منافع آمریکا را تامین می‌کردیم، ولی هزاران آمریکایی را در این جا زندانی می‌کردیم، خود آمریکا توجیه می‌کرد که بلبه ایران کار خوبی کرده است که هزار آمریکایی را اسیر کرده است. اگر منافع آمریکا اشباع و تامین نشود، پیوسته دست به توطئه خواهد زد. بنابراین جنگ و گروگانگیری ربطی به هم ندارد و کسانی که می‌خواهند این دو مساله را بهم ربط دهند، درست در خط آمریکا هستند، یعنی می‌خواهند حرکتی را که ملت یکسال است حمایت می‌کند و امام فرموده‌اند انقلاب بزرگتر است، باز جامعه را در مورد این حرکت تغییر دهند و بگویند اینکار نادرست و غلط بود و موجب ضرر و خسارت شد و باید آنها را آزاد کنیم. آنها کسانی هستند که می‌خواهند واقعیتها مطرح نشوند و غیرواقعیتها مطرح باشند اما واقعیت اینست که ماهیت این انقلاب آمریکا را وادار به تحریک علیه آن کرده است، لذا تنها چیزی که آتش جنگ را خاموش خواهد کرد، قسط گفتن يك جمله است که ایران منافعی را تامین کند و او دوباره باز راه بیفتد و بیاید اینجا.

البته آمریکا عجله‌ای ندارد و به روابط در سطح سال ۱۳۲۰ هم قانع است اگر ما در مقابل آمریکا بایستیم آنقدر از این بازیها درخواهد آورد که خود آمریکا و دیگر کشورها بقیه‌اند که ریشه‌های این انقلاب محکم شده است و دیگر نمی‌شود با آن کاری کرد، آنموقع بنابر همان خصلت پست‌شان خواستن و تمنا می‌کنند که يك جوری در مقابل انقلاب کنار بیایند، چون آمریکا در مقابل قدرت تسلیم است، ولی اگر يك ضعیف‌گیرش بیاید توی سر او می‌زند و بفرموده امام درست مثل یک حیوان وحشی می‌ماند که اگر در مقابل او بایستیم فرار می‌کند و گداخته‌ها را فرار کنیم، تقسیم‌بندی می‌کند و ضمناً اضافه کنم که سیاست آمریکاست که دلایل گوناگونی از جمله شکست سیاست خارجی آمریکا در سراسر جهان، درهم شکسته شده است و ریگان و کورتر هر دو بازیگر يك صحنه‌اند.

حجت الاسلام خوئی‌ها در مورد یازسازی ویرانه‌های جنگ گفت:

خوبیختانه در این جنگ بر خلاف تصور آمریکا اندام جامعه ما قوی و مقاوم است، و جامعه ما آن غده مرض را که رژیم شاه بود، از بدن خود خارج کرده است الان وقتیکه شما این شهرها را می‌بینید فعالیت همه‌جانبه مردم ما را برای دفع این مرض و هجوم دشمن مشاهده می‌کنید و درست مانند همان بیمار همه اندام بدن در حال تلاش و ساخت و ساز هستند.

برشک در هنگام یازسازی کشور ملت تلاش توصیف‌ناپذیری خواهد داشت و به تعبیر امام نیروی ملت نیروی لایزال الهی است و ما خواهیم دید که این مشکلات برای ملت بزرگ ماجیزه نیست و ۳۵ میلیون جمعیت خرابی يك استن را یسادگی تحمل خواهد کرد، همانطور که ۸ میلیون مردم الجزایر يك میلیون شهید را تحمل کردند و دلایل هم حضور ملت در صحنه اجتماع است. بنابراین در ساختن و ویرانی‌های پس از جنگ اگر روش ماشیهی‌های باشد که مردم همچنان در صحنه خودشان را متعبد و مسئول بدانند و از انقلابشان دلسرد نشوند، خوبی نباید داشت، ولی اگر خدای نکرده مردم دلسرد شوند، نه تنها باید برای جبران ضایعات پس از جنگ ناراحت باشیم که حتی باید برای خود جنگ ناراحت باشیم، زیرا اگر کسی که در جنبه می‌جنگد، تردید پیدا کند و دلسرد شود، این برای ما فاجعه است، چرا که دست او محکم بر روی ماشه نمی‌رود، امیدواریم همانطور که الان دست رزمندگان ما محکم بر روی ماشه می‌رود، پس از جنگ نیز با ایمان و تلاش، خسارات و ضایعات را جبران کنند.

سئوال ...

بقیه از صفحه ۱

ایران برود... و تلویزیون هم با آب و تاب آنها را بخش می‌نمود، و از طرف دیگر در حالی که دولتی تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن با ایران بکار می‌برد، مقامات حاضر به فرستادن نماینده به لیبی نبودند و این در حالی بود که سفارت لیبی در تهران بسیار فعال و کوشای بود...

نویسنده، پس از اشاره به مناسبات سابق ما با الجزایر، می‌نویسد:

«از اینکه با لیبی جنوبی، کویت، ویتنام، کره شمالی و... چه رابطه‌ای داشته‌ایم، لازم نیست، مطالبی نوشته شود.»

این نوشته‌های روزنامه انقلاب اسلامی مورد تأیید همه کسانی است که میخواهند جمهوری اسلامی ایران - منطبق با اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی - سیاست خارجی ضد امپریالیستی داشته باشد.

سئوال اول ما اینست که: مسئول گمراه‌گشتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، مسبین طرد

دوستان انقلاب ایران در گذشته - یعنی، طراحان و مجریان آن سیاست خارجی گذشته، که در مقاله نامبرده یعنی مورد انتقاد قرار گرفته، چه کسانی بوده‌اند؟

سئوال دوم ما اینست که: مسئولیت و اختیار آن تلویزیونی که با آب و تاب آن سیاست خارجی را تبلیغ میکرد و دامن می‌زد، در دست چه کسی بود؟

سئوال سوم ما اینست که: آنها که علیه عبدالسلام جلوه نخست‌وزیر کشور دوست ما لیبی، شمار میدادند چه کسانی بودند؟

هواداران کانون فرهنگی ارمنه اصفهان:

ترو هر اچ همبر چیان توطنه عوامل آمریکاست

هواداران کانون فرهنگی ارمنی اصفهان در اعلامیه‌ای ترو هر اچ همبر چیان، فرزند مبارز خلق ارمنی را بعنوان توطئه عوامل آمریکا محکوم کرده و از جمله نوشته‌اند: «امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، اینک مذبحخانه به تلاش گسترده‌ای برای نابودی دستاوردهای انقلاب بزرگ و حماسه‌آفرین مردم ایران دست زده است. امریالیسم آمریکا اینک با بسیج و متشکل کردن دولتهای ارتجاعی منطقه خاورمیانه، از اردن و مصر گرفته تا عربستان سعودی و شیوخ مرتجع منطقه، سعی در ایجاد یک جبهه قوی علیه انقلاب ایران نموده است. در اینحال رژیم یوشالی بمت با ینامدادن وطن‌فروشان رسوا و ساواکیسها و ارتشیان فراری مانند پالیزیان و اویسی و شروع تهاجم نظامی علیه مردم ایران ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی خود را هرچه عریتر به نمایش گذاشته است.

امروز هر تلاشی در جهت ایجاد جو ناامنی و اغتشاش و تشنج در ایران مستقیماً در خدمت امریالیسم آمریکا قرار گرفته و آب به آسیاب آن می‌ریزد.

امروز هر تلاشی که در جهت ایجاد فضای ارباب و ترور و

ترساندن مردم از جانب ضدانقلابیون و سرمایه‌داران خیانت‌پیشه صورت می‌گیرد، گامی است در جهت ایجاد یک جنگ روانی علیه مردمی که مصممند سلطه امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، را از بیخ و بن برکنند و ایرانی آزاد و دمکراتیک بر روی لاشه‌های متعفن رژیم پهلوی بنا کنند.

زحمتکشان ارمنی! شهادت فرزند راستین خلق، هراچ همبر چیان، بدست تاریک اندیشان فاشیست، که از روشنائی روز می‌ترسند و مذبحخانه می‌کشند تا دوباره سلطه امریالیسم را بر مین ما برقرار کنند، نمونه‌ای از تلاش آندسته از ضدانقلابیونی است که سعی در منحرف کردن مبارزه مردم علیه امریالیسم و متحدان داخلی‌شان دارند.

ترو هر اچ، فرزند مبارز خلق ارمنی جز تلاش برای بوجود آوردن فضای ترور و ترس و ایجاد شکاف در بین صفوف مردم و نهایتاً خدمت به امریالیسم آمریکا چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ ارمنه مبارزا

یکوشیم تا با وحدت تمامی خلق و مقاومت قاطعانه در مقابل چنین توطئه‌هایی، دسیسه‌های امریالیسم آمریکا و توکران داخلی‌شان را نقش بر آب کنیم.

اعتراض به پانزشتگی کارگران و کارمندان متخصص شرکت ملی نفت ایران

شورای مرکزی اسلامی کار- کبان صنعت نفت مسجد سلیمان درمورد خطرات پانزشتگی کردن کارمندان و کارگران متخصص صنعت نفت، به مقامات مسئول کشور هشدار داد. در جلسه این شورا، که بهمن مناسب، روز ۱۱ آبان ماه ۵۹ تشکیل شد، شرکت کنندگان، ضمن اعتراض به پانزشتگی کردن کارگران متخصص و مجرب خواستار تجدیدنظر در این مورد شدند.

تصمیم مربوط به پانزشتگی کردن افرادی که دارای ۳۰ سال سابقه خدمت و یا ۵۰ سال سن هستند، در اوایل سال ۵۹ در شورای انقلاب اتخاذ شد. به دنبال همین تصمیم، حدود ۶۰۰ نفر از کارمندان شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفت‌خیز در لیست پانزشتگی قرار گرفتند، که اکثراً دارای تجربه و تخصص مفید هستند.

بر این اساس تعداد کارگران مشمول پانزشتگی بسیار زیادتر از کارمندان است. در ضمن

قرار است روند پانزشتگی کردن افراد فوق‌الذکر در سال آینده نیز ادامه داشته باشد. البته در فرمان شورای انقلاب پیش‌بینی شده‌است که اگر کسی به کارش نیاز باشد، از این قاعده مستثنی گردد، لیکن به اعتقاد بسیاری از دست‌اندرکاران شرکت نفت، بدنبال وقوع جنگ تحمیلی رژیم صدام و آسیب‌های ناشی از آنو همچنین عدم برنامه‌ریزی مسئولین برای آینده این شرکت، بیشتر سرپرستان ادارهای شرکت نفت قادر به ارزیابی نیروی انسانی مورد نیاز خود در آینده‌تستند.

بر توجیه نسبت به این مسئله و از دست‌دادن متخصصین در صنعت نفت می‌تواند عواقب خطرناک دربرداشته باشد، زیرا زمانی که تولید نفت روال عادی خود را در پیش گیرد، بدون وجود این افراد، اختلالات جدی در امر تولید نفت به وجود خواهد آمد.

ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می‌کنیم و خواستار رسیدگی سریع به آن هستیم.

در اعتراض به گشتار وسیع سرخپوستان: سرخپوستان آمریکا راه‌پیمائی «بقا» تشکیل دادند

● تاکنون امریکائیان ۳۴ درصد زنان سرخپوست را عقیم کرده‌اند سرخپوستان ایالات متحده آمریکا صدای اعتراض خود را علیه جنایات نظام حاکم بر کشور بلند می‌کنند. نمایندگان قبیله سرخپوست طی دادخواستی از سازمان ملل خواستند، قبایل سرخپوست آمریکا را از نژادکشی نجات دهد. زهران قبایل سرخپوست که در راه‌پیمائی «بقا» شرکت کرده‌بودند در دادخواستی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کردند سرخپوستان از سرزمینهای خود اخراج میشوند، بنابراین یک نژاد یه‌نابودی کامل تهدید می‌گردند و جامعه جهانی باید هرچه زودتر به فریاد سرخپوستان مظلوم آمریکای شمالی برسد. عدمای از نمایندگان سرخپوستان ایالات متحده آمریکا در روتردام هلند نیز در کنفرانس خود توجه جامعه جهانی را به سیاست و عمل نژادکشی که نسبت به سرخپوستان اعمال می‌شود، جلب کردند. از ماه ژوئن گذشته نمایندگان قبایل مختلف سرخپوست آمریکا و همچنین سازمانهای ترقیخواه آمریکائی از سانفرانسیسکو یک راه‌پیمائی «بقا» به طرف نیویورک ترتیب دادند. راه‌پیمایان در واشنگتن نیز توقف کردند اما ظاهراً طرفداران دوآتشه حقوق بشر (!) در واشنگتن فرصت نداشتند به درخواست سرخپوستان مستعبد سرخپوستان رسیدگی کنند. نمایندگان سرخپوستان در نیویورک گفتند، شرکتیهای آمریکائی قحاله‌های معدنی و صنعتی و حتی هسته‌ای را در محلهای مخصوص اجتماع سرخپوستان «رزرواسیون» رها کرده و بدین ترتیب سرخپوستان حتی از این محلها نیز بیرون رانده می‌شوند. همچنین برای نابودی نسل سرخپوستان تاکنون چهل درصد از زنان سرخپوست عقیم شده‌اند. امریالیسم چهره گریه خود را در همه ایام می‌نمایاند.

رهبر بلغارستان در دیران با هنگ - سامرین گفت: هیچ چیز نمیتواند مردم کامبوجیا را از راه خود بازدارد

کوتور ژوکوف رهبر بلغارستان، در جریان ضیافتی که با افتخار هنگ‌سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامبوجیا در سوئیه برپا شده بود، گفت: «ملت‌های جامعه سوسیالیستی و همه نیروهای ترقیخواه جهان، با مبارزه خلق کامبوجیا برای آزادی و استقلال کشور خود ابراز همبستگی می‌کنند.»

رهبر بلغارستان تأکید کرد: «امریالیستها و برتری‌طلبان یکن با اراده خلقهای هندوچین درمورد زندگی صلح‌آمیز و همراه با آرامش و تقاضا با همه ملت‌های آسیای جنوب شرقی و نیز با تحکیم دوستی برادرانه و همکاری آنها با کشورهای سوسیالیستی مخالفتند. بویژه تلاش محافل برتری‌طلب و توسعه‌طلب یکن برای سد کردن راه مردم کامبوجیا در زمینه ساختن زندگی نوین خطرناک است. اما هیچ چیز نمی‌تواند مردم کامبوجیا را از راه خود بازدارد.»

هنگ سامرین، رهبر کامبوجیای انقلابی، در پاسخ گفت: «تلاشهای موفقیت‌آمیز خلق کامبوجیا برای پیروزی بر عواقب سلطه شویم داروسته خون‌آشام پول‌بوت - بتنگساری، که از حمایت چین برخوردار بودند، بخاطر کمک کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی و ویتنام امکان‌پذیر بوده است.»

هنگ سامرین تأکید کرد: «کامبوجیا خواستار همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای آسیای جنوب شرقی است.»

«رادپوکن» در خدمت «سیا»!

خارج، بویژه اروپا و آسیا، گسترش خواهد بخشید. چینی‌ها در ازای این خوش‌خدمتی، سالیانه چندین میلیون دلار دریافت خواهند داشت. برای نمونه، «رادپوکن» در سال جاری میلادی از این بابت ۸۲ میلیون دلار از طریق دولت دریافت میدارد. علاوه بر این، از ۵۱۵ میلیون دلاری که «سیا» اسال برای تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی در اختیار نزدیک به ۴۰ ایستگاه رادیویی در سراسر جهان میگذازد، در

چندی پیش در بن، پایتخت جمهوری فدرال آلمان، قراردادی میان «رادپو چین» و «رادپو آزادی» و «رادپو اروپای آزاد» به امضاء رسید. یادآور می‌شویم که دو ایستگاه رادیویی اخیر از سوی «سیا» اداره میگردد. بموجب این قرارداد، «رادپو چین» برنامه‌های خود را برای



وزیر خارجه افغانستان در مقر سازمان ملل متعدد افغانستان قطعنامه‌ای را که تحت فشار نیروهای امریالیستی و برتری طلب تصویب شده، قاطعانه رد می‌کند

شاه محمد دوست، وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در یک مصاحبه مطبوعاتی در مقر سازمان ملل اعلام کرد: «بحث‌های مجمع عمومی درباره باصلاح مسئله افغانستان، که بوسیله آمریکا و چین به این جامعه جهانی تحمیل شده بود، اقدامی در جهت مداخله مستقیم در امور داخلی افغانستان محسوب می‌شود. وی که برای شرکت در این جلسه به نیویورک رفته بود، گفت: «این پیشنهاد تحمیلی نقض آشکار اصول منشور سازمان ملل بوده است.»

وزیر خارجه افغانستان گفت: «افغانستان قاطعانه قطعنامه‌ای را که تحت فشار نیروهای امریالیستی و برتری طلب تصویب شده، رد می‌کند و قصد ندارد آنرا به هیچوجه به حساب آورد.»

شاه محمد دوست افزود: «ادعای واشنگتن، یکن و متحدان آنها مبنی بر اینکه اوضاع در افغانستان گویا امنیت و صلح منطقه را تهدید می‌کند، بکلی بی‌اساس است. جمهوری دمکراتیک افغانستان برای منشور سازمان ملل احترام کامل قائل است و سیاست آن مطابق با موازین پذیرفته شده حقوق بین‌المللی است. افغانستان در معرض اقدامهای تجاوزکارانه از سوی امریالیسم و ارتجاع جهانی قرار دارد، که از خاک پاکستان بتوان پایگاهی استفاده می‌کنند.»

وزیر خارجه افغانستان یادآور شد: «شواهد غیر قابل انکاری وجود دارد که نشان‌دهنده امریالیستها و برتری‌طلبان یکن از مدتها پیش برای خنثی کردن توسعه بیشتر انقلاب افغانستان توطئه کرده‌اند و اکنون تلاش دارند به مردم ما درس بدهند که چه نوع ساختار اجتماعی برای خود انتخاب کنند و چه نوع حکومتی داشته باشند. اما مردم افغانستان از مدتها پیش درباره سرنوشت خود تصمیم گرفته‌اند.»

شاه محمد دوست گفت: «سالهاست مردم افغانستان علیه فوڈالیسم و نیروهای ضددمکراتیک مبارزه کرده‌اند. مردم افغانستان مصمم‌اند از انقلاب و از وطن خود تا آخرین قطره خون دفاع کنند.» وزیر خارجه افغانستان افزود: «نیروهای معدود اتحاد شوروی به خواست دولت افغانستان برای مقابله با تجاوز خارجی وارد کشور شده‌اند و بعضی آنکه تجاوز خارجی قطع شود، این نیروها بردرنگ از افغانستان خارج خواهند شد.» شاه محمد دوست تأکید کرد: «دولت افغانستان علاقمند است هرچه زودتر تمام آوارگمان به کشور بازگردند. اما متأسفانه عده زیادی از این عده بوسيله دشمنان افغانستان بعنوان مزدور و خرابکار بکار گرفته شده‌اند.» وزیر خارجه افغانستان گفت:

«علیرغم تمام توطئه‌ها اوضاع کشور به سرعت عادی می‌شود. طرحهای دولت در زمینه‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی علیرغم توطئه‌ها و تجاوزات خارجی و خرابکاریها اجرا می‌شود و اجرای آنها هر روز سرعت بیشتری یخود می‌گیرد.»

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM	
No. 381	
29 November 1980	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران